



شناسنامه

نام کتاب: چهلچراغ نماز و خانواده؛
گردآوری و تدوین: سید جواد بهشتی
ناشر: مؤسسه فرهنگی - انتشاراتی ستاد اقامه نماز
مدیریت هنری: محمدحسین مؤیدی (خانه ایده)
شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه
نویت چاپ: اول، بهار ۱۴۰۰
چاپ و صحافی: بوستان کتاب
قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان
مراکز پخش:
۱. تهران، میدان فلسطین، مقابل سازمان تبلیغات اسلامی،
انتشارات ستاد اقامه نماز
تلفن: ۸۸۹۰۰۰۵۹ و ۸۸۹۹۱۰۶۸
۲. دفاتر ستادهای اقامه نماز سراسر کشور
۳. خرید از طریق سایت namazstore.ir
۴. خرید فایل الکترونیکی از سایت های طاقچه و کتابچین
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۷-۲۳۲-۱

حقوق معنوی اثر متعلق به انتشارات ستاد اقامه نماز است.

فیفا

سرشناسه: بهشتی، سیدجواد، ۱۳۳۳ -
عنوان و نام پدیدآور: چهلچراغ نماز و خانواده/ گردآوری و تدوین سید جواد بهشتی.
مشخصات نشر: تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی ستاد اقامه نماز، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۱۱۶ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۷-۲۳۲-۱ ریال؛ ۲۵۰۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی: فیفا
یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع: نماز
موضوع: Salat
موضوع: خانواده‌ها -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع: -- Religious aspects -- Islam Families
رده بندی کنگره: BP۱۸۶/۲
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۵۳
شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۵۸۰۶۰
وضعیت رکورد: فیفا



۷	نماز و خانواده
۹	۱- نظام خانواده
۱۲	۲- انتخاب همسر
۱۷	۳- آغاز زندگی با نماز
۱۷	قصه
۲۰	۴- طلب فرزند
۲۲	۵- اذان و اقامه درگوش نوزاد
۲۵	۶- دعا برای نسل نمازگزار
۲۸	۷- برنامه آموزشی نماز
۳۱	۸- نماز جماعت درخانه
۳۳	۹- حق فرزند برپدر و مادر
۳۶	۱۰- پندهای لقمان به فرزندش
۳۸	۱۱- نماز، شکرانه فرزند صالح
۴۰	۱۲- پاداش والدین دلسوز
۴۲	۱۳- نقش ویژه مادر
۴۵	۱۴- از خود شروع کنیم
۴۸	۱۵- آموزش عملی نماز به فرزندان

- ۱۶- ویژگی‌های دختران ۵۰
- ۱۷- بیدار کردن اهل خانه برای نماز ۵۴
- ۱۸- نمازخانه در خانه ۵۸
- ۱۹- اذان گفتن در خانه ۶۰
- ۲۰- قبولی نماز اعضای خانواده ۶۳
- ۲۱- تخفیف در انجام نماز برای بچه‌ها ۶۵
- ۲۲- پدر و پسر در خدمت نماز ۶۸
- ۲۳- سفارش به نماز پیامبری در گهواره ۷۰
- ۲۴- تحمل مشکلات خانواده برای اقامه نماز ۷۲
- ۲۵- حضور آراسته و نظیف در مسجد ۷۵
- ۲۶- تمرین نماز قضا ۷۸
- ۲۷- میانه‌روی در عبادت ۸۰
- ۲۸- حضور بچه‌ها در مسجد ۸۳
- ۲۹- هشدار پیامبر به خانواده‌ها ۸۵
- یک قصه‌ی تکان دهنده ۸۵
- ۳۰- عبرت از بنی اسرائیل ۸۸
- ۳۱- احترام به شخصیت نوجوان ۹۰

- ۹۳ - ۳۲- به نماز پناه ببریم
- ۹۶ - ۳۳- پاسخ به سه سؤال درباره کودکان
- ۹۸ - ۳۴- ستایش پدری دلسوز
- ۱۰۰ - ۳۵- پایداری بر سفارش به نماز
- ۱۰۳ - ۳۶- همسر کاهل نماز
- ۱۰۶ - ۳۷- رسالت ما درباره نماز والدین
- ۱۰۹ - ۳۸- دعا برای نماز فرزندان
- ۱۱۱ - ۳۹- پنج اصل در آموزش نماز به کودکان
- ۱۱۳ - ۴۰- سفارش به نماز در آخرین ساعات

چهلچراغ
نماز و خانواده

نماز و خانواده

ستاد اقامه نماز در پی سی سال فعالیت به میدان آمده تا برای بنیادی‌ترین مکانی که جای تبلیغ و فرهنگ سازی نماز است، یعنی خانواده، برنامه‌ای را با عنوان «چهلچراغ نماز و خانواده» پیشنهاد و عنوان اجلاس بیست و نهم نماز را «پیوند نماز، خانه، مدرسه و مسجد» قرارداد است.

خانواده، کانونی است که اگر نماز در آن شکل بگیرد، هم به نسل‌های بعد و هم به جامعه منتقل خواهد شد.

موضوع خانواده چندین سال است که از مهم‌ترین موضوعات مجمع جهانی سازمان ملل متحد است.

فروپاشی خانواده‌ها در جهان خطری بزرگ اعلام شده است، در کشورهای اسلامی هم وضع خوبی نداریم. در منطقه ما عربستان، ترکیه، مصر و ایران آمار طلاق‌ها و اختلافات خانوادگی فوق‌العاده زیاد است.

ما در این بحث می‌خواهیم بگوییم که اگر زندگی بر اساس نماز بنیان‌گذاری شود، آمار طلاق، تجاوز، خیانت و قتل در خانواده‌ها پایین خواهد آمد. اضطراب، استرس، نگرانی و دلواپسی کم خواهد شد. ارتباطات و مناسبات اعضای خانواده با یکدیگر و دیگران گرم و صمیمی خواهد شد.

۱- نظام خانواده

در کتاب آسمانی ما قرآن کریم از مجموع آیات (۶۲۳۶ آیه)، بیش از ۶۰۰ آیه درباره خانواده است. این در حالی است که خداوند حکیم، برای بعضی از موضوعات ۳ آیه، برای بعضی موضوعات دیگر ۳۰ آیه یا ۳۰۰ آیه آورده است و این تنظیمات بر اساس حکمت و علم است. فراوانی آیات درباره

یک موضوع در قرآن پیام دارد؛ نشانه اهمیت و حساسیت موضوع است. قرآن کریم برای وظایف اعضای خانواده، حقوق اعضای خانواده، مسایل مالی، مسایل عاطفی، مسایل اجتماعی، انواع و اقسام تربیت‌هایی که ما امروز در سند آموزش و پرورش می‌بینیم. تربیت عبادی، تربیت اجتماعی، تربیت اخلاقی، تربیت سیاسی، تربیت علمی و فناوری و... آیاتی را اختصاص داده است. بیاییم و به قرآن برگردیم.

موضوع خانواده در اسلام موضوع فوق‌العاده مهمی است. پیامبر عزیز ما ﷺ فرمود: بنایی در اسلام نزد خدا محبوب‌تر از ازدواج و تشکیل خانواده نیست. «**مَا بُنِيَ بِنَاءَ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنَ التَّزْوِيجِ**»^۱

این بنا که بر اساس ایمان پی‌ریزی می‌شود و ستون‌هایی روی آن پی‌ها گذاشته می‌شود تا آن بنا برافراشته شود، ستون‌هایی مثل محبت، احترام، اعتماد و گذشتی که بین اعضای خانواده باید باشد.

این بنای مهم اگر ریشه و ستون‌هایش ضعیف باشد، زود متزلزل شده و فرو می‌پاشد، ولی اگر زیربنا و ریشه‌های قوی و محکم داشته باشد، می‌تواند تا بلندای بهشت ادامه پیدا کند.

قرآن می‌فرماید: «**الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ**»^۲ روز قیامت همه‌ی رابطه‌ها گسسته می‌شود مگر رابطه‌ای که بر اساس پاکی و تقوا و معنویت و ایمان باشد.

ما می‌خواهیم خانواده‌ای که از روز اول در اندیشه نماز باشند، شکل بگیرد، چرا که در سایه نماز، تقوا پیدا می‌شود و با تقوا، رستگاری و سعادت ابدی

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۳.

۲. زخرف، ۴۳.

حتمی است. «وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۱

نکته دیگر اینکه در قرآن کریم، نماز با ۵۰ موضوع دیگر در کنار هم آمده است، یعنی آن طبیب حکیم، پروردگار عالم، نماز را تنها در قرآن نیاورده است؛ نماز با اخلاق، نماز با مشورت، نماز با ایثار، نماز با فداکاری، نماز با قرض الحسنه، نماز با زکات، نماز با انفاق و... همراه است و این بیانگر آن است که در اسلام، نماز، در متن زندگی است و با همه مسائل زندگی گره خورده است.

در جلسات آینده خواهیم دید که قبولی نماز اعضای خانواده به رضایت مندی آن‌ها از همدیگر مربوط می‌شود؛ یعنی رضایت والدین از فرزندان در قبولی نماز فرزندان تأثیر دارد. رضایت زن و شوهر از هم در قبولی نماز آن‌ها اثر دارد.

آری نظام خانواده، فوق‌العاده مهم است. در میان جهانیان اعلام شده که مهم است، قرآن کریم با تعدد آیاتش فریاد می‌زند که این نظام مهم است. پس ما باید با فکر و اندیشه و تلاش، کاری کنیم که طراحی و تشکیل خانواده آن‌گونه که خدا می‌خواهد شکل بگیرد و تحکیم خانواده بر اساس آیات قرآن دوام پیدا کند.

از خداوند می‌خواهیم که بتوانیم این سلسله برنامه‌ها را با عنوان نماز و خانواده با دقت پیگیری کنیم و برویم در تار و پود جامعه ببینیم که کسری‌ها و کمبودهای ما کجاست، تا نمازی که قرآن و اسلام و پیامبر عظیم‌الشان اسلام و اهل بیت پاکش آرزو داشته‌اند، تحقق پیدا کند.

۲- انتخاب همسر

خداوند انسان را انتخاب‌گر آفریده است. انتخاب همسریکی از نقاط عطف زندگی انسان هاست. خداوند نیازی را در وجود دخترها و پسرها قرار داده که وقتی به سنی می‌رسند، تصمیم می‌گیرند همسری از جنس خودشان انتخاب کنند. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛^۱ و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعا نشانه‌هایی است.

در سوره‌ی حمد روزی ده بار واجب است که این دعا را بخوانیم: «**اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ**»، خدایا در انتخاب‌ها، انتخاب درست را به ما راهنمایی کن.

تنها دعای واجبی که هر مسلمان روزی ده بار از خدای خودش می‌خواهد این است که خدایا راه درست را، تصمیم درست را، انتخاب درست را به من بیاموز. بنابراین معلوم می‌شود که تصمیم‌گیری برای انتخاب‌ها موضوع مهمی است.

امام صادق ع از یکی از اصحابش به نام ابوبصیر پرسیدند: شما شیعیان وقتی می‌خواهید ازدواج کنید چه می‌کنید؟ ابوبصیر پاسخ داد: نمی‌دانم! شما به ما یاد بدهید! امام فرمودند: وقتی می‌خواهید ازدواج کنید، قبل از خواستگاری وضو بگیرید و دو رکعت نماز بخوانید و دست به دعا بردارید

و این دعا را بخوانید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَتَزَوَّجَ فَقَدِّرْ لِي مِنَ النِّسَاءِ أَعْفَهْنَ فَرْجاً وَأَحْفَظْهُنَّ لِي فِي نَفْسِهَا وَفِي مَالِي وَأَوْسَعَهُنَّ رِزْقاً وَأَعْظَمَهُنَّ بَرَكََةً وَقَدِّرْ لِي وَلِذَا طَيْباً تَجْعَلُهُ خَلِيفاً صَالِحاً فِي حَيَاتِي وَبَعْدَ مَمَاتِي»،^۱ خدایا من می‌خواهم ازدواج کنم، برای من از بین زنان، پاکدامن‌ترین آنها را مقدر کن؛ زنی که درباره خود و اموال شوهرش حفیظ‌ترین باشد و رزقش زیادترین و برکتش بزرگ‌ترین باشد و فرزندی برایم مقدر کن که بازماندگانی صالح برای من در زندگی و پس از وفاتم باشند.

توجه دارید که انتخاب همسر با نماز شروع می‌شود، با استمداد از خدا شروع می‌شود. چنین ازدواجی در آینده فرزندان نمازخوان به بار می‌آورد.

آیا الآن کسی که می‌خواهد ازدواج کند، از قبل فکری دارد، شاخص‌هایی برای زن و شاخص‌هایی برای مرد در نظر گرفته می‌شود. متأسفانه گاهی به هرچیزی فکر می‌کنند به جز مسائل معنوی.

قرآن فرمان می‌دهد که با زنی ازدواج کنید که مؤمن باشد، با مردی ازدواج کنید که مؤمن باشد. حتی اگر زن مشرک است، ولی شما را به تعجب و شگفتی واداشته است، شکل او یا دارایی او و یا موقعیت اجتماعی او، از آن صرف نظر کنید. «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ وَ لَأُمَّةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَ لَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَ لَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَ لَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ اللَّهُ يَدْعُو إِلَى

الْحَنَّةَ وَالْمَغْفِرَةَ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ^۱ و با زنان مشرک و بت پرست، تا ایمان نیاورده اند، ازدواج نکنید! کنیز با ایمان، از زن آزاد بت پرست، بهتر است، هر چند (زیبایی، یا ثروت، یا موقعیت او) شما را به شگفتی آورد. و زنان خود را به ازدواج مردان بت پرست، تا ایمان نیاورده اند، در نیاورید! (اگر چه ناچار شوید آنها را به همسری غلامان با ایمان در آورید، زیرا) یک غلام با ایمان، از یک مرد آزاد بت پرست، بهتر است، هر چند (مال و موقعیت و زیبایی او)، شما را به شگفتی آورد. آنها دعوت به سوی آتش می کنند و خدا دعوت به بهشت و آمرزش به فرمان خود می فرماید و آیات خویش را برای مردم روشن می سازد، شاید متذکر شوند.

ازدواج با همسران غیر مؤمن، می تواند تأثیر منفی بر تربیت فرزندان و نسل آینده انسان بگذارد، چنانکه ممکن است آنها عامل جاسوسی برای بیگانه باشند. گرچه آیه درباره ی ازدواج با غیر مسلمانان است، ولی هر نوع معاشرتی که ایمان انسان را در معرض خطر قرار دهد ممنوع است. با نگاهی به آیه پیام هایی استفاده می شود:

۱- مسلمانان، حق پیوند خانوادگی با کفار را ندارند. «**وَلَا تَنْكِحُوا**

۲- در انتخاب همسر، ایمان اصالت دارد و ازدواج با کفار ممنوع است. «**وَ**

لَأُمَّةٍ مُّؤْمِنَةٍ خَيْرٌ

۳- در ازدواج، فریب جمال، ثروت و موقعیت دیگران را نخورید. «**وَلَوْ**

أَعَجَبْتَكُمْ... وَلَوْ أَنْعَجَبْتُمْ

۴- مقام و مال و جمال، جای ایمان را پر نمی‌کند. «وَلَوْ أَعَجَبَكُمُ»
۵- به ضعیفان و محرومان با ایمان بهاداده و با آنان ازدواج کنید. «لَأَمَّةٌ
مُّؤْمِنَةٌ ... لَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ»

۶- غرائز باید در مسیر مکتب کنترل شود. «حَتَّىٰ يُؤْمِنَ ... حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا»
۷- ایمان مایه‌ی ارزش است، گرچه در بنده و کنیز باشد و شرک رمز سقوط
است، گرچه در حر و آزاد باشد. «لَأَمَّةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ»

۸- پدر، حق ولایت بر ازدواج دخترش دارد. در مسئله داماد گرفتن، به پدر
خطاب می‌کند که دختر خود را به مشرکان ندهید. «لَا تَنْكِحُوا»

۹- اول ایمان، بعد ازدواج. فکر نکنید شاید بعد از ازدواج ایمان بیآورند.
«حَتَّىٰ يُؤْمِنَ ... حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا»

۱۰- از نفوذ عوامل مشرک در تاروپود زندگی مسلمانان، جلوگیری کنید و
توجه به خطرات مختلف این نوع ازدواج‌ها داشته باشید. «أُولَئِكَ يَدْعُونَ

إِلَى النَّارِ

۱۱- همسر مشرک، زمینه ساز جهنم است. «يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ»
آری، ایمان بزرگ‌ترین شاخص ازدواج است. در انتخاب همسر به ایمان
او دقت کنید. بارها این قصه در احادیث ما نقل شده که خدمت پیامبر
و ائمه: رسیدند و گفتند: ما می‌خواهیم ازدواج کنیم، به چه ویژگی آن
دختر یا پسر دقت کنیم؟ فرمودند: «علیک بذات الدین»^۱ به سراغ یک فرد
دین‌دار بروید.

بعد از دین و ایمان، اخلاق. پس از اخلاق، ریشه‌دار بودن خانواده و

مسایل دیگر مانند دارایی، تحصیلات، زیبایی، سن، وزن، رنگ، قد، در رده‌های بعدی است.

خوب بروید سراغ دین‌داران، نماز کجای دین است؟

نماز ستون دین است. «الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ»، نماز به منزله سر دین است.

«مَوْضِعُ الصَّلَاةِ مِنَ الدِّينِ كَمَوْضِعِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ»

خانمی چند روز پیش به محل کار من آمد و خیلی گریه می‌کرد از اینکه شوهرش نماز نمی‌خواند ناراحت بود. از او پرسیدم: آیا قبل از عقد با هم صحبت کرده‌اید؟ گفت: بله! پنج شش جلسه طولانی با هم صحبت کردیم.

گفتم: آیا راجع به نماز هم با هم حرف زدید؟ گفت: متأسفانه نه!

خوب راجع به همه چیز با هم حرف می‌زنید، گاهی دو سه ماه آن دوران طول می‌کشد، ولی راجع به دین‌داری، حجاب، نماز و اعتقادات گفتگو نمی‌کنید و بعد سیلی می‌خورید. حتی حضرت امام خمینی رضی الله عنه، در رساله توضیح المسایل آورده است که حتی اگر آن پسر در نماز جماعت شرکت نمی‌کند، مواظبت کنید و زود به او دختر ندهید. نه تنها نماز فرادی، بلکه نماز جماعت.

می‌بینید که نماز تا این حد مهم است، که یک ملاک فوق‌العاده مهم در انتخاب همسر است.

در انتخاب همسر هم در گفتگوهای قبل از عقد، موضوع نماز را مطرح کنید. هم تعهد همسر نسبت به نماز را پیگیری کنید.

در بین نمازهای مستحبی، نمازی داریم به نام نماز خواستگاری. پیغمبر فرمود: «إِذَا عَمِلْتَ عَمَلًا فَعَمَلٌ بِعِلْمٍ وَعَقْلٍ وَإِيَّاكَ وَأَنْ تَعْمَلَ عَمَلًا بِغَيْرِ تَدَبُّرٍ»

وَعَلَيْهِ^۱ وقتی خواستی کاری را انجام بدهی، با آگاهی و اندیشه آن کار را انجام بده و بپرهیز از کاری که بدون تدبر و آگاهی باشد.

۳- آغاز زندگی با نماز

از چیزهایی که باید از قرآن الهام بگیریم، دعا کردن هست. خواسته‌های ما نشانه آرزوها؛ آرمان‌ها و درجه فهم ماست. در قرآن کریم حدود ۱۶۰ دعا آمده و راه و رسم نیایش و دعا و اینکه از خدا چه بخواهیم را به ما آموخته است.

در حدیث داریم که دعا نشانه‌ی عقل و اندیشه‌ی انسان‌هاست. از دعاهای انسان می‌توان به شخصیت او پی برد.

یکی از دعاهایی که خداوند به پیامبر اکرم ﷺ تعلیم داده، این دعاست: «وَقُلْ رَبِّ ادْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ» بگو: خدایا آغاز کارهایم را با صدق و راستی و درستی قرار بده. «وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ» و پایان کارهایم را با صداقت و به دور از فریب و نیرنگ قرار بده. «وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا»^۲ و از طرف خودت یک قدرت و قوت و منطق محکمی به من در زندگی مرحمت کن. از این آیه و دعا می‌فهمیم که آغاز و پایان کارها خیلی مهم است. انتخاب همسر آغاز یک فصل مهم از زندگی است.

قصه

کمتر از دو ماه از ازدواج فاطمه زهرا و امیرالمؤمنین عليه السلام گذشته بود، که بانوی بزرگوار اُم سلمه نزد پیغمبر آمد و گفت: ای رسول خدا، دختر برای

۱. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۱۰.

۲. اسراء، ۸۰.

پسراست، اجازه بدهید که فاطمه به خانه شوهرش برود (و زندگی مشترک خود را آغاز کنند). پیغمبر موافقت کردند و فرمودند به همین زودی. پس از مدتی قرار شد با مشارکت خانواده عروس و داماد، ولیمه و طعامی تهیه شود و مهمانانی دعوت شوند. پیامبر اکرم ﷺ به داماد فرمود: علی جان! دوستانت را و هر کسی را که می خواهی برای عروسی دعوت کن. داماد به مسجد آمد، اول خواست که بعضی از نمازگزاران را دعوت کند، دلشان نیامد و همه حاضران را به عروسی دعوت کردند و پذیرایی مهمانان با آبرومندی انجام شد.

برای بردن عروس شتری را آوردند و عروس خانم با کمال حجاب و پوشش سوار بر آن شده و به سمت خانه داماد حرکت کردند و اطرافیان به رسم آن روزگار، شادی کنان آنان را همراهی می کردند.

جبرئیل و میکائیل تکبیرگویان از آسمان فرود آمدند و به پیغمبر عرض کردند یا رسول الله! به همراهان عروس بفرمایید که تکبیرگویان عروس را همراهی کنند.

از آن زمان به بعد در عروسی های مسلمانان تکبیر گفتن رسم شد. عروس و داماد در اتاقی تنها شدند. امیرالمؤمنین علیه السلام دید که همسرش گریه می کند، پرسید ای نور چشمان پیغمبر! چرا گریه می کنی؟ فاطمه زهرا علیه السلام گفت: امشب از یک خانه ای به خانه ای دیگر منتقل شدم، در این اندیشه هستم که روزی هم از این دنیا به یک دنیای دیگر خواهم رفت. دوست دارم همین طور که امشب شادترین شب عمر من است، وقتی از این دنیا هم می روم آن شب هم شادترین زمان برای من باشد. همسرم

به خدا قسمت می‌دهم، بیا که اساس زندگی‌مان را با نماز بنیان‌گذاری کنیم و اکنون نمازی بخوانیم.^۱

بنابراین جریان شکل‌گیری خانواده در اسلام با نماز و مسجد و تکبیر گره خورده است.

آری، عقد فاطمه زهرا علیها السلام در مسجد بوده است. چه می‌شد که مساجد ما اتاقی و فضایی تزیین شده می‌داشتند که زوج‌های جوان در آنجا امام جماعت برایشان صیغه‌ی عقد و محرمیت را بخواند و خاطره‌ی شیرینی از مسجد در اذهانشان بماند.

شب عروسی و زندگی مشترک، با نماز آغاز شده است.

عزیزان من! الآن در جامعه ما عروسی‌ها چه شکلی است؟ شب عروسی نماز عروس خانم چه می‌شود، او که از ساعت ده صبح به آرایشگاه رفته است؟! و تا دیر وقت مشغول مراسم است، نماز داماد چه می‌شود؟ نماز بقیه چه می‌شود؟ من و شما هستیم که باید یک سبک زندگی آسمانی را بنیان‌گذاری کنیم، چون ازدواج قداستی آسمانی دارد. لذا در حدیث داریم وقت ازدواج دعا مستجاب می‌شود.

در تالارهای عروسی جایی را آماده و تزیین کنیم که در شأن نماز باشد، فرش خوب باشد، بوی خوب بیاید، جملات خوبی در آنجا نقش بسته باشد. صدای اذان در وقت اذان بلند شود. همدیگر را به نماز یادآوری کنیم که نماز فراموشمان نشود. این برای نماز واجب است.

عروس و داماد هم وقتی که تنها شدند، بر اساس این سنت فاطمه زهرا علیها السلام

دو رکعت نماز بخوانند و از خداوند برای آینده و سرنوشت خودشان، برای خوشبختی خودشان کمک بخواهند. چنانکه امام صادق ع فرمودند: عروس و داماد در شب عروسی خوب است که دو رکعت نماز بخوانند.^۱ در پاسخ خیلی‌ها که سؤال می‌کنند دعوت فرزندان به نماز باید از چه زمانی آغاز شود، می‌گوییم: دعوت فرزندان به نماز باید از زمان خواستگاری آغاز شود و در تمام مراحل زندگی تکرار شود، نه از سه سالگی و پنج‌سالگی و هفت‌سالگی! از آغاز شکل‌گیری خانواده باید ما به موضوع نماز فکر کنیم.

۴- طلب فرزند

یکی از حکمت‌ها و فلسفه‌های ازدواج، فرزندآوری است. خدای حکیم برای بقای نسل انسان ازدواج را قرار داده است که در سایه این ازدواج فرزندان به دنیا بیایند، فرزندان تربیت شوند و جامعه بشری شکل بگیرد. لذا پس از گذشت زمانی عروس خانم و آقا داماد برای بچه‌دار شدن به تفاهم و توافق می‌رسند. البته گاهی جنینی شکل می‌گیرد و گاهی شکل نمی‌گیرد.

فرزندخواهی در نهاد هر انسانی هست، چون ادامه وجود خود را در نسل و فرزند خود می‌یابد. قرآن کریم در قصه حضرت زکریا به ما می‌آموزد که برای داشتن فرزند و فرزندآوری نیز از نماز کمک بگیریم.

در سوره آل عمران آیه ۳۸ می‌خوانیم: وقتی حضرت زکریا دید که برای حضرت مریم در حال عبادت سفره غذا یا میوه‌ای بهشتی آماده شده، اینجا بود که دلش شکست و دست به دعا برداشت و گفت: «رَبِّ هَبْ لِي

مِن لَدُنكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ» پروردگارا یک نسل پاکیزه نصیب من کن. همانا تو شنوای دعا هستی.

خداوند در آیه بعد می‌فرماید: «فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ» زکریا در حال نماز بود که فرشتگان او را صدا زدند.

و گفتند: «أَنَّ اللَّهَ بَشَّرَكَ بِبِحْتَىٰ مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ» خداوند تو را به فرزندی مژده داده و نامش را یحیی گذارده است. او تصدیق کننده پیامبر خدا حضرت عیسی و سرور و سالار و پاکیزه و از صالحان خواهد بود.

از این آیه معلوم می‌شود که انسان در حال نماز خیلی پیش خدا آبرو دارد. وقتی به نماز می‌ایستد فرشتگان به او توجه می‌کنند، فرشته‌ها او را صدا زدند و دعایش مستجاب می‌شود. پس نمازهایمان را قدر بدانیم.

در ادامه قصه می‌خوانیم که حضرت زکریا گفت: «قَالَ رَبِّ اِنِّي يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِيَ الْكِبَرُ وَاْمْرَاتِي عَاقِرٌ» چگونه ممکن است که من فرزندان بشوم، در حالی که سنی از من گذشته و پیر شده‌ام و همسرم نازا بوده است؟!!

ندا آمد که خدا خواسته است: «قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ» هر چه خدا بخواهد انجام می‌دهد. خدا اراده کند از یک زن نازا هم فرزند به وجود می‌آید!

حضرت زکریا گفت: «قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً» پس خدایا یک نشانه‌ای به من بنما. «قَالَ آيَتُكَ اَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ اَيَّامٍ اِلَّا رَمَزًا» پیغام آمد که نشانه این است که تا سه روز زبانت قفل می‌شود و فقط با اشاره می‌توانی با دیگران حرف بزنی، مگر وقت نماز. وقت نماز زبانت باز می‌شود تا نماز بخوانی.

نماز که تمام شد، زبانت قفل می‌شود. تا سه روز چنین وضعیتی خواهی داشت. «وَأَذْكُرُ لَكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ»^۱ خدایت را زیاد یاد کن و صبح‌گاهان و شام‌گاهان تسبیح‌گوی او باش.

در این قصه‌ای که ما فقط به ترجمه‌ی آیاتش پرداختیم، می‌بینیم که چقدر نماز در استجابت دعای ما، در رسیدن به خواسته‌هایمان تأثیر دارد، چقدر نماز در فرزندخواهی، آن هم فرزندِ پاکیزه، فرزندِی که چشم و زبان و قلب و دامنش پاک باشد. این را در فکر و اندیشه و دعا از خدا می‌خواهیم.

کی بخواهیم؟ وقت نماز!

کی خدا به ما توجه ویژه می‌کند؟ وقت نماز!

۵- اذان و اقامه درگوش نوزاد

نوزاد که به دنیا می‌آید، بهترین تعبیر این است که بگوییم که مانند شمش طلا و طلای خام است، یک زرگری لازم است که این شمش را به یک گردنبندی زیبا و گران قیمت تبدیل کند.

نوزاد که به دنیا می‌آید مانند یک زمین بکر است. یک باغبانی لازم دارد که او را به گلستان و باغستانی پراز گل و میوه تبدیل کند. والدین همان باغبان‌ها هستند.

تربیت بچه‌ها از چه زمانی شروع می‌شود؟ از زمان تولد!

از کجا این را می‌فهمیم؟ از سنت پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: نوزاد در همان روزهای اولی که به دنیا آمده

است، در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه بگویید. آن حضرت این سنت را از نوه‌های خودش شروع کرد. امام حسن، امام حسین، زینب کبری، ام کلثوم: که به دنیا می‌آمدند، امیرالمؤمنین علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام پیغمبر را خبر می‌کردند، پیغمبر تشریف می‌آوردند، قنداقه فرزند را روی دستان مبارک حضرت می‌گذاشتند و ایشان در گوش راست آنها اذان و در گوش چپ اقامه می‌خواندند.^۱

اگر از ما بپرسند: این کار چه تاثیری دارد؟ می‌گوییم: بچه چیزی نمی‌فهمد، درکی ندارد. اما از سنت پیغمبر فهمیده می‌شود، بچه در آن لحظه درک دارد، پیام را دریافت می‌کند. ما فکر می‌کنیم چون نمی‌تواند حرف بزند، پس گیرندگی او هم صفر است. من این را از دکتر عبدالعظیم کریمی که سالی یک بار به اروپا رفت و آمد می‌کردند شنیدم که می‌گفتند: یک دانشمند آلمانی چند سال پیش یک پژوهشی را انجام داد که ماندگارترین مطالب در ذهن انسان تا پایان عمر، مطالبی است که از تولد تا دو سالگی می‌شنود. فکر نکنیم که این بچه شیرخوار است و هنوز وقت تربیتش نرسیده است. گفته شده که اولین حسی که در نوزاد پس از تولد فعال می‌شود، حس شنوایی و آخرین حسی که پس از مرگ از کار می‌افتد، حس شنوایی است.

اذان چیست؟ در اذان و اقامه، با صدای بلند اموری را بیان می‌کنیم:

بزرگی خدا: «الله اکبر»

گواهی به یکتایی خدا: «اشهد أن لا اله الا الله»

گواهی به نبوت پیامبر اسلام ﷺ: «اشهد أنّ محمداً رسول الله»

گواهی به ولایت امیرالمؤمنین علیؑ: «اشهد أنّ امیرالمؤمنین علیاً ولی الله»

بعد شش بار به بچه‌ای که تازه به دنیا آمده است می‌گوییم: به نماز
بشتاب. «حی علی الصلاة»

ممکن است کسی بگوید که این گزاف و بیهوده است، بچه که چیزی
نمی‌فهمد. ولی سنت پیغمبر حکیمانه است.

تلویزیون مستندی از خانم دکتر طاهره لثاف نشان می‌داد که مایه
مباهات جامعه پزشکی است. این بانوی پزشک و ماما وقتی بچه را
به دنیا می‌آورد در همان زایشگاه در گوش او اذان و اقامه می‌خواند. و
می‌گفت: بیش از هزار بچه را اذان و اقامه در گوشش گفته‌ام.

این سنت را ترویج کنیم، در خانواده‌ها این سنت را ترویج کنند. چقدر
خوب است که در مساجد اتاق زیبایی باشد که نمازگزاران مسجد وقتی
بچه‌دار می‌شوند، نوزاد را بیاورند که امام جماعت مسجد یا یک فرد
خوش نفسی در گوششان اذان و اقامه بگوید.

در سیره‌ی ائمه: آمده است که وقتی خدا بچه‌ای به ایشان می‌داد، در
گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه می‌خواندند.

اگر کسی از ما بپرسد که از چه زمانی باید بچه‌هایمان را با نماز آشنا کنیم،
ما جواب می‌دهیم، از زمان خواستگاری، از زمان عقد، از شب عروسی، از
دوران بارداری، از وقتی که بچه به دنیا می‌آید. این‌ها گام‌های ابتدایی
شکل‌گیری شخصیت بچه‌هاست. آشنایی بچه‌ها با نماز از ده‌سالگی،
هفت‌سالگی، پنج‌سالگی و... نیست، بلکه خیلی زودتر باید شکل بگیرد.

قرآن کریم یک خطری را به ما گوشزد می‌کند که ای مسلمانان! مراقب باشید، شیطان در کمین است تا در اموال و اولاد شما شریک شود. «و شَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدَّهُمْ وَمَا يَعِدُّهُمْ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا»^۱ در ثروت و فرزندان انسان شرکت جوید! و آنان را با وعده‌های سرگرم کند! و شیطان به آنها وعده‌ای جز فریب و دروغ نمی‌دهد.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: اینکه اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ نوزاد می‌خوانند، فایده‌اش این است که این بچه را از شر شیطان مصون و ایمن می‌دارد.

بنابراین معلوم می‌شود که شیطان بیکار نیست؛ شیطان از چه زمانی کارش را شروع می‌کند؟ از لحظه‌ی تولد انسان! ما چه کاری باید بکنیم؟ باید با دعاها، با ذکرها، با نماز و با همین اذان و اقامه‌ای که پیغمبر ضمانت کرده است، فرزندان را از همان آغاز تولد بیمه کنیم.

وقتی این دو سرود آسمانی را در گوش فرزندانمان می‌خوانیم، شیطان اجازه ورود پیدا نمی‌کند. بیاییم و سلامتی بچه‌هایمان را از همان روزهای اول با گفتن اذان و اقامه در گوششان تأمین و تضمین کنیم.

۶- دعا برای نسل نمازگزار

فرزندان ما ادامه ما هستند. امیرمؤمنان علی علیه السلام در نامه ۳۱ نهج البلاغه، به فرزندش امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: عزیزم، فرزندم، تو بخشی از من که نه! تو تمام من هستی. «وَجَدْتُكَ بَعْضِي بَلْ وَجَدْتُكَ كَلِّي» بچه‌های ما تمام وجود ما هستند. آنها اگر عزیز و سالم و موفق و خوشبخت باشند،

گویا ما عزیز هستیم .

کارشناسان امر تربیت برای بیان اهمیت و توضیح تربیت و مربی، از دو مثال و تشبیه استفاده می‌کنند:

مثال اول: زرگر. می‌گویند: کار زرگر این است که با دانش و تجربه و مهارتی که دارد شمش طلا را به گردن‌بند و زینتی گران قیمت تبدیل می‌کند. به این کار می‌گویند تربیت. آری بچه‌های ما شبیه همان شمش طلا هستند. این ما هستیم که باید با دانش و تجربه و مهارت، آنها را ارزشمند کنیم. مثال دیگر باغبان. به باغبانی که روی زمین بکر کار می‌کند تا به باغی پر از گل و میوه با درختانی تناور و گل‌های رنگارنگ تبدیل شود، می‌گویند مربی. او با تجربه و دانش این کار را انجام می‌دهد. از مفهوم این دو مثال می‌فهمیم که تربیت بچه‌های ما نیاز به مطالعه و مشورت تجربه و دانش مراقبت و دقت دارد.

پدر و مادرها باید برای آینده فرزندان خود اهدافی را تعریف کنند و اندیشه کنند که در پرورش چه نسلی هستند؟ قرآن کریم در داستان حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام آرزوی این پیامبر بزرگ را اینگونه شرح می‌دهد:

آن حضرت قبل از آن که آرزوی خود را بیان کند، از خداوند به خاطر نعمت داشتن فرزند تشکر می‌کند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ»^۱، پروردگارا تشکر می‌کنم که در سن پیری به من دو فرزند به نام اسماعیل و اسحاق دادی.

اولین پیام آیه این است که قبل از هر چیز باید از داشتن فرزندانمان از

خدا تشکر کنیم. خدایا الحمدلله! خیلی‌ها بچه ندارند، به ما بچه دادی. سپس دعای خود را با خدا در میان می‌گذارد: «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي»؛ پروردگارا خود مرا از برپادارندگان نماز قرار بده و ذریّه و فرزندانم را! «رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ»؛ پروردگارا این دعای ما را مستجاب کن.

نکات مهمی در این آیه وجود دارد: حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام خودش اولین موحد عالم است، مهاجرت کرده است، تا نماز برپا شود، اما همچنان از خدا می‌خواهد که خدایا من برپاکننده نماز باشم. همه‌ی خواهران و برادرانی که در سرتاسر عالم برای اقامه نماز زحمت می‌کشند، کار ابراهیمی می‌کنند. فعالیت در ستاد اقامه نماز و در مسجد و یا در هرجایی برای ارتباط خلق با خالق، یک فعالیت مبارکی است.

«وَمِنْ ذُرِّيَّتِي»، خدایا غیر از اینکه خودم اهل نماز باشم، ذریه‌ی مرا اهل نماز قرار بده. نکته‌ی مهمی در این کلمه هست. حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام نمی‌گوید: بچه‌های مرا! ذریّه نشان‌دهنده بلندنظری است. یعنی بچه‌هایم و بچه‌های بچه‌هایم، و بچه‌های بچه‌های بچه‌هایم، ... یعنی چشم‌انداز چندهزار ساله برای خودش ترسیم می‌کند. خدایا هر نسلی که از من روی زمین پاخواهد گذاشت، اهل نماز باشد.

از افراد می‌پرسیم که شما چند بچه دارید؟ سه تا! چه کار می‌کنند؟ والا یکی انگلستان است، یکی دانشگاه اهواز است، یکی در عسلویه است. خوب بچه‌های شما نماز می‌خوانند؟ نماز را والا حاج آقا دعا بفرمایید ان‌شاءالله که می‌خوانند. گاهی می‌خوانند و گاهی نمی‌خوانند.

ما باید نماز بچه‌ها را رصد کنیم. از وقتی به دنیا می‌آیند برایشان برنامه

داشته باشیم. کودکی اول، کودکی دوم، نوجوانی، جوانی، پیوسته باید پیگیری کنیم. نامه می نویسیم، تلفن می کنیم، از نماز آن ها پرس و جو کنیم. این خواسته پیامبر بزرگی مانند ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام است. این را مهم بدانیم. ما چقدر برای سلامتی بچه هایمان اهمیت قائلیم و می سوزیم؟ تب می کنند اشتهای ما کور می شود. غصه می خوریم که بچه تب کرده است. برای نمازش چطور؟ آیا دغدغه داریم؟!

اگر می خواهیم بچه ی نماز خوانی داشته باشیم، باید خود ما اهل نماز باشیم. اول حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام برای خودش دعا می کند، بعد برای بچه هایش. بچه های ما آینه ی تمام نمای وجود ما هستند. هرطور ما هستیم آن ها هستند. وقتی بچه ها می بینند که ما به نماز عشق می ورزیم و نمازی عاشقانه و عارفانه می خوانیم، آن ها هم همان نماز را از ما الهام می گیرند. برای نماز بچه هایمان از خدا کمک بخواهیم و دعا کنیم.

۷- برنامه آموزشی نماز

امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام از خدا می خواهد: «وَأَعِنِّي عَلَى تَرْبِيَّتِهِمْ»^۱، خدایا در تربیت فرزندان کمک کن.

ما باید به مدد الهی برای تربیت بچه ها برنامه داشته باشیم. خداوند این جهان را بر اساس برنامه آفریده است. خورشید و ماه با حساب منظمی می گردند: «الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَان»^۲. قرآن می فرماید: خداوند در شش روز جهان را آفریده است.^۳ خوب می توانست در یک روز

۱. صحیفه سجادیه، دعای ۲۵.

۲. الزّحمن، ۵.

۳. اعراف، ۵۴.

بیافریند. آن وقت‌ها که هنوز روز و شبی نبوده است. یعنی در شش برهه آفریده است. این نشان می‌دهد که کارها در این عالم باید بر اساس برنامه صورت پذیرد. گتره‌ای، فله‌ای صورت نمی‌گیرد. کارها باید بر اساس یک نظامی شکل بگیرد. چقدر حدیث داریم که بچه‌ها در یک سالگی، در دو سالگی، در سه سالگی، در چهار سالگی، در پنج سالگی و در هر سنی باید برایشان یک کاری انجام شود. ما این را باید باور کنیم و باید برنامه داشته باشیم. برنامه را هم باید زن و شوهر با هم، پدر و مادر با هم، طراحی کنند. یک نمونه از برنامه‌ی نمازی کودکان را از زبان امام صادق علیه السلام مشاهده کنید.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید که فرزندان چه دختر و چه پسر به سه سالگی که رسید، هفت بار به او بگویید تا او هم بگوید: «**لا اله الا الله**» ما با اذکار شروع می‌کنیم و آرام آرام این بچه این ذکرها را حفظ می‌کند و یاد می‌گیرد، در آینده باید مفاهیم و معارف آن ذکرها را به او تعلیم بدهیم. تا در عمق جانش بنشیند. پس در سه سالگی هفت بار به او بگویید: «**لا اله الا الله**» بیست روز که گذشت هفت بار بگویید: «**محمد رسول الله**» ببینید مشخص است که از سه سالگی تا هفت سالگی یک برنامه است. ما هم باید برنامه داشته باشیم. از بزرگانمان الهام بگیریم.

چهارساله که شد این را به بچه‌ها یاد بدهید. «**صلى الله على محمد وآله**» پس ذکر اول درباره توحید و یکتاپرستی بود. ذکر دوم درباره نبوت آخرین فرستاده‌ی خدا. ذکر سوم اهل بیت: اضافه شده است. چون اهل بیت: ادامه دهنده راه پیامبر هستند. به فرمان خدا در غدیر خم پیامبر دوازده

نور پاک را برای پیشوایی امت اسلامی تا روز قیامت مشخص فرمودند. اولین آن‌ها علی بن ابیطالب علیه السلام و دوازدهمین آن‌ها امام مهدی علیه السلام است. به این دوازده نور پاک، اهل بیت می‌گوییم.

قرآن کریم می‌فرماید که اهل بیت مصون و پاک از هرگونه گناه و اشتباه و خطا و فراموشی هستند. «**إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً**»^۱

ذکر اول، «**لا اله الا الله**» توحید.

ذکر دوم، «**محمد رسول الله**» نبوت.

ذکر سوم، صلوات، «**صلى الله على محمد وآله**».

بعد بچه را رها کنید. بچه باید بازی کند. فرصت داشته باشد. این ذکرها را نه پی‌درپی بلکه با فاصله زمانی تمرین کند. تا به پنج سالگی می‌رسد. در پنج سالگی دست چپ و راست را به او یاد بدهید و به سمت قبله سجده کردن را به او یاد بدهید. سمت‌ها و جهت‌ها را، این جهت سمت راست است، این جهت سمت چپ است، مقابل ما مثلاً شمال است، پشت سر ما جنوب است، و سمت قبله را که سمتی مقدس است و خداوند برای همه‌ی ملت‌ها قبله‌ای مشخص کرده است. «**وَلِكُلِّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّیْهَا**»^۲ برای امت‌ها قبله‌ای است.

پس از آن شستن دست و صورت و زمانی که بچه شش ساله شد، آرام آرام تمام یک نماز کامل، اذکار و افعالش را باید به این دختر و پسر بیاموزیم که در سن هفت سالگی یک نماز کامل بی‌عیب و نقص بخواند.

۱. احزاب، ۳۳.

۲. بقره، ۱۴۸.

بنابراین برای آموزش نماز بچه‌ها برنامه ریزی کنیم.

۸- نماز جماعت در خانه

امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ»^۱، دست خدا با جماعت است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «بهترین سفره، سفره‌ای است که جمعی به سمت غذا دست دراز می‌کنند». غذا خوردن تنهایی، خوابیدن تنهایی، سفر رفتن تنهایی را اسلام نمی‌پسندد.^۲ همچنین فرمود: دوتا بهتر از یکی است، سه تا بهتر از دوتا است، چهار تا بهتر از پنج تا، پنج تا بهتر از چهارتا، سعی کنید همیشه با اجتماعات باشیم.^۳

مرد عرب بادیه‌نشینی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و ماجرای خودش را تعریف کرد که من در روستایی زندگی می‌کنم که آنجا مسجد نیست. چند خانوار بیش‌تر نیستیم، من هستم و همسر و فرزندانم و چند کارگر. جمعیتی در آنجا نیست، ولی وقت نماز که می‌رسد، خودم اذان و اقامه می‌گویم، خانمم و فرزندانم و آن کارگران به من اقتدا می‌کنند، آیا این جماعت است؟ پیغمبر او را تحسین و تشویق کرد و فرمود: بله!

گفت: گاهی وقت‌ها کارگرها در دوردست‌های آن مزرعه کار می‌کنند، وقت نماز که می‌رسد من اذان و اقامه می‌گویم، خانمم و فرزندانم به من اقتدا می‌کنند. آیا این جماعت است؟ پیغمبر او را تحسین و تشویق کرد و فرمود: بله!

گفت: یا رسول الله گاهی وقت‌ها بچه‌ها به دنبال گاو و گوسفند و کارهای

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷.

۲. خصال شیخ صدوق و نهج الفصاحه.

۳. بقره، ۱۴۸.

در مزرعه هستند و ما دو نفر بیش تر نیستیم، من و همسرم! وقت نماز که می‌رسد، من اذان و اقامه می‌گویم و به نماز می‌ایستم و همسرم من اقتدا می‌کنند. آیا این جماعت است؟ پیغمبر او را تحسین کرد و فرمود: بله!

گفت: گاهی همسرم هم عذری دارد، من تنها می‌مانم وقت نماز که می‌رسد من اذان می‌گویم، اقامه می‌گویم و نماز می‌خوانم. پیغمبر فرمود: «**الْمُؤْمِنُ وَحْدَهُ جَمَاعَةٌ**»^۱ مؤمن به تنهایی جماعت است.

ما نیز چنین کاری کنیم. تا زمانی که دسترسی به مسجد داریم، اولویت اول با تأکیدات پیامبر و ائمه مسجد است. حتی الامکان خودمان به اتفاق اعضای خانواده به مسجد برویم. اما گاهی شرایطی به وجود می‌آید، مسجد در نزدیکی ما نیست، در یک روستایی هستیم، یا شرایطی است که باید مردم کمتر به مساجد رفت و آمد کنند، نمازهایمان را درخانه ولی به جماعت و در اول وقت بخوانیم.

امام جماعت هم دو شرط بیش تر ندارد، شرط‌های سختی هم نیست. یکی اینکه قرائتش صحیح باشد، قرائت‌هایمان را ولو به خاطر این موضوع هم شده تصحیح کنیم. دوم اینکه امام جماعت باید عادل باشد. یعنی کسانی که به این آقا اقتدا می‌کنند، باید او را عادل بدانند. عادل یعنی گناه کبیره نمی‌کند، گناه صغیره را هم تکرار نمی‌کند.

مهم نظر اقتداکنندگان هست. می‌گویند ما از این آقا گناهی ندیدیم، یا اگر گناهی داشته، توبه و استغفار کرده است. عدالت امام جماعت، با عدالت قاضی فرق می‌کند، با عدالت رهبر فرق می‌کند، با عدالت مرجع تقلید فرق

می‌کند، عدالت امام جماعت خیلی سخت‌گیرانه نیست. قرائتش صحیح باشد و مأمومین او را عادل بدانند.

این نماز جماعت در خانه، چه تأثیرات عاطفی و معنوی خوبی دارد. قبل از نماز چقدر خوب است که یکی از بچه‌ها اذان بگوید، اقامه بگوید. بعد از نماز بعضی از اعضای خانه تعقیبات نماز را بخوانند. خداوند نیایش جمعی را دوست دارد.

چرا اینقدر نماز جماعت ثواب دارد؟ در حدیث می‌خوانیم: یک نفر به یک نفر اقتدا کند، ثوابش ۱۵۰ برابر می‌شود. دو نفر اقتدا کنند، ۶۰۰ برابر، سه نفر، ۱۲۰۰ برابر، چهار نفر ۲۴۰۰ برابر، پنج نفر، ۴۸۰۰ برابر، همین‌طور تا ده نفر و ده نفر و بیش‌تر را نمی‌شود حساب کرد.^۱ این نشان می‌دهد که خداوند نیایش جمعی را، دعای جمعی را، نماز جماعت را خیلی دوست دارد.

سعی کنیم نمازها را با امام جماعت روحانی و در مسجد اقامه کنیم، اما جاهایی که هیچ چاره‌ای نیست، مثلاً جمعی هستیم و در یک پارکی هستیم، به مسجد دسترسی نداریم و یا در خانه هستیم، نمازهایمان را به جماعت بخوانیم که رحمت خدا را برای خودمان نازل خواهیم کرد.

۹- حق فرزند بر پدر و مادر

به شما عزیزان پیشنهاد می‌کنم که اگر برایتان امکان دارد، کتاب رساله حقوق از امام سجاد علیه السلام را خریداری کنید و همیشه در خانه‌هایتان داشته باشید. این کتاب از آن کتاب‌هایی نیست که یک بار بخوانیم و به کناری بگذاریم. باید همیشه تا آخر عمر در خانه‌مان باشد و به عنوان درس

زندگی پیوسته بخوانیم.

در این کتاب امام علیه السلام به ما یاد داده که در این دنیا پنجاه حق بر عهده ما می باشد و ما متعهد و مسئولیم که این حقوق را ادا کنیم. اولین و بزرگ ترین کسی که به ما حق دارد، خداوند متعال، آفریدگار ماست. همان خدایی که آغاز ما، پایان ما، رزق و روزی ما، هدایت و سلامت ما با اوست. و بقیه ی حق ها را خداوند به ما فرموده که این ها حق هستند. اعلامیه ی حقوق بشر، مبنای ایدئولوژی ندارد. چه کسی گفته است که حق بشر این است. ما مسلمانان ادعایمان این است که وقتی می گوئیم حقی هست، خدا اعلام کرده است که حق است. خدایی که بر همه حق دارد.

یکی از حقوق پنجاه گانه، حق فرزندان به والدین است. همانطور که پدر و مادر بر بچه ها حق دارند، بچه ها هم به پدر و مادر حق دارند. بینیم آن حقوق چیست، تا ما پدر و مادرها روشن تر بشویم.

می فرماید: «**وَأَمَّا حَقُّ وِلْدِكَ فَتَعَلَّمْ أَنَّهُ مِنْكَ**»؛ حق فرزندان این است که بدانی او از تو و بخشی از توست. «**وَمُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِحَبْرِهِ وَشَرِّهِ**»؛ در این دنیای کوتاه پیوست تو است. مانند نامه هایی که پیوست دارد، ما هم پیوست داریم. پیوست های ما بچه های ما هستند، چه خوب باشند و چه بد، مال ما هستند، بچه ی ما هستند. «**وَأَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيْتَهُ**» ای پدر و ای مادر! تو مسئول اداره و تربیت این فرزندان هستی.

خوب چه کار باید کرد؟ «**مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ**» باید این فرزند را خوب تربیت کنی. حق او هست. هرچه کوتاهی کنیم، در دادگاه قیامت بچه ها از ما بستانکار خواهند بود. «**وَالدَّلَالَةُ عَلَى رَبِّهِ**» بچه ها را به پروردگار پیوند

بزنیم آنها را به خدا راهنمایی کنیم. شکوفایی خداشناسی، خداگرایی، خداپرستی از حقوق بچه‌هاست. سرشت و فطرت بچه‌ها خداگراست. این پدر و مادر هستند که باید محیطی را مناسب خداگرایی و خداپرستی آماده کنند. «وَالْمَعُونَةُ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فِيكَ وَفِي نَفْسِهِ» بچه‌ها را بر طاعت خدا، درباره خودت و خودش، یعنی نماز خواندن و روزه گرفتن حجاب داشتن و... باید کمک کنیم. مثل اینکه در راه رفتن می‌گوید: «دستم بگیرت و پا به پا برد، تا شیوه‌ی راه رفتن آموخت» نماز خواندن هم مثل همان راه رفتن است، مثل تکلم است، پدر و مادر وظیفه دارند. بچه‌ها حق دارند. اگر در اقامه نماز بچه‌ها کم و کسری باشد، تقصیر به عهده‌ی پدر و مادرهاست. «فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلٌ مَّنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ مُثَابٌ عَلَى الْإِحْسَانِ إِلَيْهِ وَ مُعَاقِبٌ عَلَى الْإِسَاءَةِ إِلَيْهِ» ای پدر و ای مادر در کار تربیت فرزند، اینطور باید فکر کنی که اگر درست عمل کردی، ثواب و اگر بد عمل کردی، عقاب در پی خواهد داشت.

امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه ۳۱ نهج البلاغه به پسرش امام حسن علیه السلام فرمود: «وَوَجَدْتُكَ بَعْضِي» یافته‌ام تو را بخشی از خودم، «بَلْ وَجَدْتُكَ كَلِّي» نه تو بعضی از من نیستی، تو تمام وجود من هستی. «حَتَّىٰ كَأَنَّ شَيْئًا لَوْ أَصَابَكَ أَصَابَنِي» طوری شده است که اگر حادثه‌ای برای تو پیش بیاید، اگر مریضی برای تو پیش بیاید، انگار برای من پیش آمده است. حالا با این احساس می‌خواهم به تو وصیت کنم:

«فَإِنِّي أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ» تو را به پاکی و خداترسی دعوت می‌کنم.
«أَيُّ بَنِي وَ لُزُومِ أَمْرِهِ» ای فرزندم کاملاً فرمان بر خدا باش.

«وَعِمَارَةَ قَلْبِكَ بِذِكْرِهِ» و اینکه دلت را با یاد خدا آباد کنی.

آری والدین باید با شیوه‌های مختلف با گفتار با نامه با رفتار، این حق فرزندان را ادا کنند.

۱۰- پندهای لقمان به فرزندش

از صحنه‌هایی که خدا خیلی دوست دارد، صحنه گفتگو و حرف زدن پدر و مادرها با بچه‌ها و موعظه کردن آنان است. یعنی حرف‌های خوب، با زبان خیرخواهی و دلسوزی، نه با زبان درشت. حتی حرف‌های استدلالی و منطقی، اما با رنگ عاطفی. این را در فارسی پند و در عربی موعظه می‌گوییم. یک نمونه‌اش را خدا در قرآن آورده است: در سوره لقمان از موعظه حضرت لقمان به فرزندش یاد شده تا از آن الهام بگیریم که چگونه با بچه‌هایمان حرف بزنیم.

آیه ۱۲ سوره لقمان چنین می‌فرماید: «وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ» ما به لقمان حکمت دادیم. آن حکمت چه بود؟ «أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ» خدا را شکر کن. «وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ» تشکر از خدا، نه اینکه خدا به تشکر ما نیاز دارد، بلکه این تشکر به نفع خود ماست. «وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ» و هر کس که ناسپاسی کند، خداوند بی نیاز ستوده است.

آیه ۱۳ چنین می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ» و یاد کن آن‌گاه که لقمان به پسرش گفت: «وَهُوَ يَعِظُهُ» در حالی که با سوز و گداز و مهربانی، او را پند می‌داد. حضرت لقمان در سه بخش با پسرش سخن می‌گوید: بخش اول مسایل عقیدتی، توحید و معاد است. بخش دوم مسایل عبادی، نماز و امر به معروف و نهی از منکر است و بخش سوم مسایل اخلاقی است.

لقمان به پسرش با مهربانی و دلسوزی گفت: «يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ»، عزیزم برای خدا شریک قایل نشو. «إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ»، حقیقت این است که شرک ظلم بزرگی است. اول از یکتایی خدا شروع کرد. آری به سراغ غیرخدا رفتن ظلم است؛ ظلم به خدا، ظلم به خود و ظلم به معبودهای دروغین.

پس از توحید درباره معاد موعظه می‌کند که این بچه از کوچکی بداند که بعد از مردن حیاتی و حساب و کتابی هست.

«يَا بُنَيَّ» این واژه بار عاطفی دارد. معادل فارسی آن می‌شود: عزیزم. حقیقت این است که «إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ» (خردل دانه گیاهی مانند ارزن است). اگر به وزن یک دانه‌ی ارزن «فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ» در یک دره‌ای باشد، «أَوْ فِي السَّمَوَاتِ» یا در آسمان‌ها باشد، «أَوْ فِي الْأَرْضِ»، یا در زمین باشد، «يَأْتِ بِهَا اللَّهُ»، خداوند آن را حاضر می‌کند. به این اندازه کار خوب یا بد بکنی، گم نمی‌شود. عزیزم مراقب کارهایت باش. کارهایت را خداوند می‌آورد و حساب‌کشی می‌کند. «إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ»، خداوند نکته‌سنج و با خبر است.

به آیه ۱۷ سوره لقمان می‌رسیم که درباره‌ی نماز است. «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ» عزیزم، نماز به پا دار. «وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ» در مسایل اجتماعی هم دخالت کن. به خوبی‌ها دستور بده. «وَأَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ» از زشتی جلوگیری کن. «وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ» از همین کوچکی یاد بگیر و در مقابل حوادث ایستادگی کن و خودت را نباز. «إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» این‌هایی که برایت گفتم از مهم‌ترین چیزهاست، یا این امر به معروف و نهی از منکر احتیاج

به اراده بزرگی دارد.

در آیه ۱۸ به مسایل اخلاقی می‌رسیم: «وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ»، از روی تکبر رویت را از مردم نگردان. «وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا»، مغرورانه روی زمین راه نرو. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ»، خداوند آدم‌های متکبری که فخر می‌فروشند را دوست ندارد.

آیه ی ۱۹ می‌فرماید: «وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ» در راه رفتنت اعتدال را رعایت کن. «وَأَعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ» و در سخن گفتن داد نزن و صدایت را پایین بیاور. «إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ» بدترین صداها، صدای الاغ است. انسان در حرف زدن و صدا زدن باید رعایت صوت را بکند که نشانه شخصیت اوست. در این درس می‌خواستیم بگوییم خداوند گفتگوی صمیمانه والدین و فرزندان را دوست دارد.

۱۱- نماز، شکرانه فرزند صالح

به نظر شما دختر بهتر است یا پسر؟

قرآن کریم درباره فرزند این کلمات را بکار برده است: «هدیه»، «هبه» و «عطیه»؛ یعنی هدیه، بخشش و جایزه. بچه‌های ما هدایای خدا هستند. در سوره شوری می‌خوانیم که خداوند به بعضی دختر، به بعضی پسر به بعضی هر دو را عطا می‌کند و به بعضی هیچ کدام. او خدای ما و خالق ما و حکیم است. «لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذَّكُورَ أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَاثًا وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ»^۱، مالکیت آسمان‌ها و زمین از آن خداست هر چه

را بخواهد می‌آفریند، به هر کس اراده کند دختر می‌بخشد و به هر کس بخواهد پسریا (اگر بخواهد) پسر و دختر - هر دو - را برای آنان جمع می‌کند و هر کس را بخواهد عقیم (نازا) می‌گذارد، زیرا که او دانا و توانا است. جالب اینکه اول نام دختر را آورده است، بعد نام پسر.

شخصی ناراحت نزد امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام آمد و گفت: خدا چهارمین دختر را هم به ما داد. حضرت پرسید: اعتراض داری؟ به نظر تو این تقسیم دختر و پسری دست چه کسی باشد، خوب باشد؟ دست خدا یا بندگان؟ او هم فکری کرد و گفت: باید دست خدا باشد، او به هر چیزی عالم است. فرمود: خوب حالا هم دست خدا بوده است. قرآن می‌فرماید: چه بسا دختری که از پسر بهتر است.

به بچه‌هایمان با این چشم نگاه کنیم که هدایای خدا هستند. دختر باشند، یا پسر، رحمت و نعمت خدا هستند. ما در برابر این لطف و هدیه‌ی خدا باید چه کاری کنیم؟ چه وظیفه‌ای داریم؟

باید بدانیم که شکرانه فرزندان، نماز است. بهترین چیز برای تشکر از خدا نسبت به اینکه خدا به ما فرزند داده است، این است که نماز بخوانیم. زیرا در سوره کوثر می‌خوانیم: «**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. إِنَّا أَنْعَمْنَاكَ الْكُوثَرَ**» ای پیامبر ما به تو کوثر، فاطمه، خیر کثیر را دادیم. همه‌ی هدایت‌های عالم تا پایان تاریخ توسط چهارده معصوم صورت گرفته و می‌گیرد. یازده نفر از آن چهارده معصوم فرزندان فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام هستند. این کوثر است. ای پیامبر! ما به تو کوثر دادیم. گویا پیغمبر سؤال می‌کند، پروردگارا من چه باید کنم؟ می‌فرماید: «**فَصَلِّ**» تشکر

خودت را با نماز و با رابطه با خدا نشان بده. «فَصَلِّ لِرَبِّكَ» نمازت هم باید خالصانه باشد، نه برای خوشایند این و آن. فقط از روی اخلاص برای پروردگارت نماز بخوان. «وَأَنْحَرْ» یک شکر دیگر هم باید بکنی و آن اینکه به بینوایان برسی. به بیچاره‌ها رسیدگی کنی و قربانی کنی. قربانی هم مرغ نه! گوسفند نه! این هدیه چون خیلی قیمت دارد، باید شتر قربانی کنی. این یک مثال است. یعنی چقدر بچه‌هایتان برایتان قیمت دارند؟ زیاد برایشان صدقه بدهید. صد تومان و پانصد تومان و هزار تومان نه! قربانی‌های بزرگ برای سلامتی بچه‌هایتان، برای هدایت بچه‌هایتان، برای خوشبختی بچه‌هایتان انجام دهید.

پیامبر عزیز ما پسر هم داشت که از دنیا رفتند. حکمت و مشیت خداوند این بود که یک دختر یادگار پیامبر اکرم ﷺ باشد. یک کسی بود، ده یازده پسر داشت و همیشه به پیامبر ﷺ طعنه می‌زد که او ابر است، یعنی نسلش ادامه پیدا نمی‌کند. همه فرزندان او در زمان حیاتش هر کدام به یک مرضی گرفتار شده و مردند. خداوند پاسخ داده: «إِنَّ شَأْنَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» او که به تو بی‌احترامی می‌کند، دم‌بریده و منقطع است.

آری نماز بهترین نوع تشکر از خداست، به شکرانه داشتن فرزندان خوب و عزیز با نماز از خدا تشکر کنیم.

۱۲- پاداش والدین دلسوز

قرآن کریم در دو سوره رازی از رازهای بهشت رفتن و جهنم رفتن را رونمایی می‌کند. ابتدا در سوره مدثر آیات ۴۳ تا ۴۶ می‌فرماید: از جهنمی‌ها هم پرسیده می‌شود که چه شد به جهنم افتادید؟ «مَا سَأَلَكُمْ فِي سَفَرٍ»

جهنمی‌ها اولین جوابی که می‌دهند می‌گویند: ما اهل نماز نبودیم. **لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ**» بعد می‌گویند: **«وَلَمْ نَكُ نَطْعُمُ الْمَسْكِينِ»** ما نسبت به بیچاره‌ها بی تفاوت بودیم. آنگاه می‌گویند: **«وَكُنَّا نَحُوضُ مَعَ الْحَائِضِينَ»** هم‌رنگ جماعت شدیم. و در پایان این پاسخ رامی‌دهند که **«وَكُنَّا نَكْذِبُ بَيَّوْمِ الدِّينِ»** قیامت را انکار می‌کردیم. این سرنوشت جهنمی‌ها.

از طرفی در سوره طور آیات ۲۵ تا ۲۷ راز بهشت رفتن بهشتیان را برملا می‌کند و می‌فرماید: از بهشتیان می‌پرسند: چه شد که به بهشت آمدید؟ **«قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ»** پاسخ می‌دهند: ما قبل از این زمانی که در دنیا بودیم، نسبت به خانواده خود دلسوز بودیم. (شفقت؛ مهربانی همراه با دلسوزی است). دلیل آنکه ما بهشت آمدیم این بود که نسبت به خانواده خود ترسان بودیم. مشفق بودیم. دلسوز بودیم. دغدغه داشتیم و دلوایس بودیم. بچه‌ها را رها نکردیم و در این دنیای پرغوغا، با اینترنت و ماهواره و عکس و فیلم و کلیپ و شوخی و جدی... هرکاری می‌خواهند بکنند.

با سوز پدران و با عشق مادرانه بچه‌ها را خوب اداره کردیم. خدا هم بر ما منت گذاشت و ما را از عذاب سوزان حفظ کرد. **«فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَانَا عَذَابَ السَّمُورِ»**. دوباره می‌گویند که این بهشت مزد کاری است که در دنیا کرده‌ایم. **«إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ»**^۲ در دنیا ما خدا را صدا زدیم. از خدا کمک خواستیم. خودمان پاک ماندیم. بچه‌هایمان را با خدا پیوند زدیم. یکی از ویژگی‌های خانواده‌های صالح و مؤمن دلسوزی و خیرخواهی و

۱. مدثر، ۴۳ - ۴۶.

۲. طور، ۲۵ - ۲۷.

مهربانی همراه با سوز و گداز است.

شخصی به محل کار آمد و خیلی گریه کرد و گفت: سه تا بچه دارم هر سه معتاد هستند. خواب و آسایش ندارم، خیلی متأثر شدم. بچه هایمان رها نشوند. بچه هایمان به دعا، نظارت، همکاری، همراهی و همفکری ما نیاز دارند. اگر اینها مراعات شد، کل اعضای خانواده در بهشت مستقر خواهند بود.

در همین سوره می فرماید: ما اعضای خانواده را در کنار هم در بهشت قرار می دهیم. بچه ها را با پدر و مادر و جمعی که در دنیا کنار هم بودند در آنجا هم کاری می کنیم که خوش باشند. «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ» کسانی که ایمان آوردند و فرزندانشان به پیروی از آنان ایمان اختیار کردند، فرزندانشان را (در بهشت) به آنان ملحق می کنیم.

۱۳- نقش ویژه مادر

یک خبر خوش برای مادرها. پژوهش ها نشان می دهد بیشتر کسانی که نمازخوان شده اند، از خانه بوده است، در خانه هم بیشتر از مادر بوده است و این نشان می دهد مادر نقش ویژه دارد و مسئولیت خانم ها را این تحقیقات سنگین می کند.

شخصی از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرسید: به چه کسی خوبی کنم؟ فرمود: به مادرت پرسید: بعد از مادر؟ فرمود: به مادرت. سه باره پرسید: بعد از مادر، فرمود: به مادرت. بار چهارم پرسید: فرمود به پدرت. این تاکید ویژه نسبت به مادر حکمت دارد.

حضرت امام خمینی که رضوان خدا بر او باد، دو گروه را به انبیا تشبیه کرده است: یکی معلمین و دیگری مادرها. مادر نقش ویژه در نمازخوان شدن بچه‌ها دارد. بچه‌ها سالهای طلایی عمرشان را نزد مادر هستند. سال‌هایی که صفحه دل و ذهن آنها تأثیر پذیری دارد، اینها نزد مادر در دامن مادر هستند.

امام حسن مجتبی علیه السلام تعریف می‌کند، نیمه‌های شب با صدای آهنگ نماز مادرم بیدار می‌شدم و نماز شب مادرم را تماشا می‌کردم. در قنوت نماز شب می‌خواست به چهل نفر دعا کند، خوب گوش می‌کردم اسم‌هایی که مادرم می‌برد چه کسانی هستند؟ بعد از نماز از مادرم پرسیدم که مادر جان به خودمان دعا نکردی؟ مادر این را فرمود: «**الجَارِ ثَمَّ الدَّارِ**» عزیزم اول همسایه بعد خودمان. می‌بینید که پس از سالها آهنگ نماز مادر در گوش فرزند مانده است.

سالار شهیدان حضرت امام حسین علیه السلام روز عاشورا که تنهای تنها شد و یک تنه بار سنگینی مصیبت را به دوش می‌کشید، چنانکه در زیارت عاشورا می‌خوانیم: مصیبتی که سنگینی‌اش بر آسمان‌ها سخت بود، آمد با پسرش زین العابدین علیه السلام خدا حافظی کند و به سمت میدان شهادت برود. سینه‌ی پسرش را به سینه‌ی خودش چسباند و فرمود: عزیزم، یک دعایی را مادرم به من یاد داده که در مشکلات این دعا را بخوان، اکنون می‌خواهم آن را به تو تعلیم دهم. «**بِحَقِّ يَسِّ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ وَبِحَقِّ طَهِّ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ يَا مَنْ يَقْدِرُ عَلَى حَوَائِجِ السَّائِلِينَ، يَا مَنْ يَعْلَمُ مَا فِي الضَّمِيرِ**»

یا منفسا عن المكروبين، یا مفرج عن المغمومين، یا راحم الشيخ الكبير، یا رازق
الطفل الصغير، یا من لا يحتاج إلى التفسير صلّ علی محمد وآل محمد، وافعل بی
کذا وکذا» سپس او را می بوسد و وداع می کند.^۱

ترجمه دعا: به حق «یس» و قرآن کریم، و به حق «طه» و قرآن با عظمت،
ای کسی که در برآوردن حاجت حاجت مندان توانایی، ای کسی که از
درون افراد خبرداری، ای برطرف کننده ی گرفتاری ها، ای شادی بخش
کسانی که غمزده اند، ای کسی که به افراد پیرترحم می کنی، ای کسی که
روزی طفل کوچک را می دهی، ای کسی که به تفسیر احتیاج نداری، بر
محمد و آلش درود فرست.

اینها تأثیرات مادر است.

مادرها قدر خودشان را بدانند. در روز قیامت یک مراسمی برای قدردانی از
پدرها و مادرها برگزار خواهد شد، بچه ها روی تختی می آیند و در پیشگاه
خدا اعلام می کنند: پروردگارا، این مادرم بود مرا نمازخوان کرد، این پدرم
بود مرا نمازخوان کرد. آنگاه از جانب خدای مهربان لباسهای فاخر برتن
آنها می پوشانند و تاج کرامت بر سرشان می گذارند.

«حَنَّة» همسر عمران، مادری است که قصه اش در قرآن در سوره آل عمران
آمده است. مادر بچه دار نمی شد، با خدا راز و نیاز می کرد، چشمش به
لانه ی پرنده ای افتاد که آن پرنده به جوجه هایش دانه می داد. دلش
شکست، شوهرش عمران هم با خدا راز و نیاز کرد، تا اینکه دعایشان
مستجاب شد و این مادر باردار شد. هنوز بچه ای به دنیا نیامده بچه را

نذر مسجد کرد. قرآن کریم این نقش را برجسته کرده می‌فرماید: «إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»^۱، یاد کنید وقتی که مادر گفت: پروردگارا نذر می‌کنم این بچه را که از همه کارها رها باشد و در خدمت مسجد باشد.

اسماء بنت عمیس دوست فاطمه زهرا علیها السلام این را تعریف کرده که روز آخر عمر حضرت صدیقه طاهره در حالی که خیلی نحیف شده بود، به من فرمود: مقداری آب گرم کن. آب گرم کردم، خودش را شستشوداد، فرمود: عطر نمازم را بیاور و سجاده نمازم را پهن کن. دست به دعا برداشت. خدا را قسم داد به انبیا، به پیامبر خاتم، به بچه‌هایی که به زودی از مادر جدا می‌شوند. از خدا چه می‌خواست؟ خدایا گنهکاران شیعیانم و شیعیان فرزندانم را ببخش. «إِلَهِي وَسَيِّدِي أَسْأَلُكَ بِالَّذِينَ اصْطَفَيْتَهُمْ وَبِبُكَاءِ وَلَدِي فِي مُفَارِقَتِي أَنْ تَغْفِرَ لِعَصَاةِ شِيعَتِي وَشِيعَةِ ذُرِّيَّتِي»^۲.

اینها نقش مادر است. از نقش مادرها غافل نشویم.

۱۴- از خود شروع کنیم

خیلی‌ها می‌پرسند: نماز بچه‌ها را از کجا شروع کنیم؟ با چه شیوه‌ای درست کنیم؟

پاسخ این است که از خودمان شروع کنیم. ما وقتی به کاری علاقه‌مند می‌شویم و اهمیت می‌دهیم، به طور اتوماتیک بچه‌ها هم به ما نگاه می‌کنند و از ما الگو می‌گیرند همان را می‌آموزند.

۱. آل عمران، ۳۵.

۲. کوکب الدرر، ج ۱، ص ۲۵۴.

امام صادق علیه السلام فرمود: به غیر از زبان، با رفتار تان به بچه ها نماز خواندن را تعلیم بدهید. «**كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ**»^۱

قرآن کریم انتقاد می کند از کسانی که حرفی را می زنند که خودشان عمل نمی کنند. می فرماید: «**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ**» چرا حرفی را می زنید که خودتان عمل نمی کنید. «**كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ**»^۲ گناه بزرگی است، خدا را به خشم می آورد که چیزی را بگویید که به آن عمل نمی کنید.

به نظر شما یک پدر سیگاری وقتی به بچه اش می گوید: سیگار نکش، تأثیر دارد!؟

فرزند به نماز خواندن پدر و مادر نگاه می کند، پدر من به وقت نماز حساس است. مادر من به لباس هایی که وقت نماز می پوشد، حساس است؛ یک چادر تمیز و قشنگ، سجاده مرتبی می اندازد. پدر و مادر من وقتی وضو می گیرند، مسواک می زنند و موها را شانه می زنند، از عطر استفاده می کنند. به همین رفتارها در وقت نماز حساس باشیم، به نظافت و آراستگی حساس باشیم، همین ها بدون گفتن، در بچه ها اثر گذار است. موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: «شیعیان ما در سبک زندگی چند ویژگی دارند: یکی آنکه برای نمازشان سجاده دارند. اگر بچه هایمان سجاده ندارند، سجاده بخریم. یا اگر سجاده داریم و استفاده نمی کنیم، فقط در مهمانی ها استفاده می کنیم، همیشه استفاده کنیم.

یکی دیگر آنکه انگشتر به دست دارند. شیعه در سبک زندگی طبق فرموده

۱. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۰۹.

۲. صف، ۲ - ۳.

امام هفتم علیه السلام یک انگشتر دارد. خانم‌ها و آقایان، دخترها و پسرها، انگشتر عقیق در ثواب نماز تأثیر گذار است، فیروزه در ثواب نماز تأثیر گذار است. اینها از آداب مسلمانی و از آداب شیعه بودن است.

سوم اینکه تسبیح دارند. امام فرمود: شیعیان ما همراه خود تسبیح تربتی دارند که تسبیحات فاطمه زهرا علیها السلام را با آن می‌گویند. چه بهتر که تسبیح تربت امام حسین علیه السلام باشد. «لا تستغنی شیعتنا عن أربع... وسبحة من طین قبر ابي عبد الله علیه السلام»^۱.

اینها نمادهایی است که وقتی ما سجاده داریم، وقتی پدر و مادر به وقت نماز حساس هستند، قنوت‌های عاشقانه می‌گیرند، این بچه نگاه می‌کند پدر من چه حس خوبی دارد و پدرم با چه آهنگی نماز می‌خواند و گاهی اشک می‌ریزد.

پس از کجا نماز بچه‌ها را شروع کنیم؟ از خودمان. اگر می‌خواهیم بچه‌های ما نظافت را رعایت کنند، خودمان رعایت کنیم. اگر می‌خواهیم بچه‌های ما اهل ورزش باشند، خودمان ورزش کنیم. اگر می‌خواهیم بچه‌های ما اهل کار و تلاش باشند، خودمان انسان‌های فعالی باشیم. اگر می‌خواهیم بچه‌های ما عاشق نماز باشند، خودمان عاشق نماز باشیم. خدا آن ودیعه را به بچه‌ها منتقل می‌کند.

روزی امام حسن مجتبی علیه السلام به معاویه فرمود: علت بدی‌های تو و انحطاط اخلاقی تو، مادر و مادر بزرگت است. امام علیه السلام گزاف نمی‌گوید، بچه‌های ما آینده‌ی تمام نمای وجود ما هستند. از خودمان شروع کنیم و

خدا این پیام را به دل آنها می‌اندازد.

۱۵- آموزش عملی نماز به فرزندان

چطور نماز را به فرزندانمان آموزش بدهیم؟

پیامبر عزیز و امامان معصوم: پاسخ فرموده‌اند: آموزش عملی. چرا که آموزش تئوری اشکال پیدا می‌کند و ممکن است بچه‌ها چند جور بفهمند یا دقیق نفهمند، اما آموزش عملی، از خطا به دور و به الگو گرفتن نزدیک است. از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرسیدند: یا رسول الله، شما بفرمایید چطور نماز بخوانیم؟ آن حضرت می‌فرمودند: «**صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أَصَلِّي**»، به من نگاه کنید چطور نماز می‌خوانم، شما هم آنگونه بخوانید. ما به این روش، آموزش عملی می‌گوییم. تنها با سخن و بیان نه، انجام بدهیم.

از امام باقر و امام صادق عَلَيْهِمَا السَّلَام می‌پرسیدند که وضوی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چگونه بوده است؟ (الآن وضویی که شیعه‌ها می‌گیرند با وضویی که سنی‌ها می‌گیرند با هم فرق دارد.) امام توضیح نمی‌دهد، بلکه می‌فرماید: ظرف آب و تشتی بیاورید. و بعد یک وضوی عملی انجام می‌دادند.

خوشبختانه در مدارس ما معلمان سوم ابتدایی سالهاست با کمال افتخار وظیفه خود می‌دانند آموزش عملی نماز را به دانش آموزان انجام بدهند. خوشا به حال افرادی که اینگونه عمل می‌کنند. یادمان باشد قبل از معلم‌ها آنچه حتماً روز قیامت خواهند پرسید، پدر و مادرها هستند. پدر و مادرها آموزش نماز را از وضو گرفتن تا پایان نماز به صورت عملی نه تئوری انجام دهند.

روزی امیرمؤمنان علی علیه السلام به پسرش که ده دوازده ساله بود به نام محمد حنفیه، (اسم مادرش حنفیه بود و به مادرش نسبت می‌دهند)، فرمود: پسرم مقداری آب بیاور. مقداری آب آورد. فرمود: عزیزم، این گونه وضو بگیر و شروع می‌کند به آموزش عملی وضو.

پسر، ابتدا به آب که رسیدی از خداوند برای نعمت آب تشکر کن. قبل از وضو دست‌هایت را تا مچ بشوی و بگو: «اللهم اجعلني من التوابين واجعلني من المتطهرين»، پروردگارا مرا از توبه‌کنندگان و از پاکیزگان قرار بده. هم ظاهر از آلودگی پاک باشد، هم دلم از گناه پاک باشد.

فرزندم، عزیزم، پسر، صورتت را که می‌شویی، بگو: خدایا در روز قیامت مرا از رو سفیدان قرار بده و از رو سیاهان قرار نده. قرآن می‌فرماید: روز قیامت بعضی رو سفید و بعضی رو سیاه وارد محشر می‌شوند. در حقیقت پدر به پسرش یاد می‌دهد در وضو از قیامت یاد کن.

پسر دست راستت را که می‌شویی، بگو: خدایا کارنامه عملم را به دست راستم بده، که رستگاران اینگونه هستند. «فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَبَقُولُ هَؤُلَاءِ أَقْرَبُ أَكْتَابِيهِ»^۱ روز قیامت آنهایی که کارنامه عملشان به دست راستشان است، می‌گویند: اهالی محشر بیایید کارنامه مرا ببینید و بخوانید. «فَهُوَ فِي عَيْشَةٍ رَاضِيَةٍ، فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ، فُطُوْفُهَا دَائِبَةٌ»^۲، اینها در شادمانی و رضایتمندی به سر می‌برند و در بهشت جای دارند.

عزیزم، نور چشمانم، دست چپت را که می‌شویی، بگو: خدایا کارنامه مرا در دست چپم قرار نده، چون آدم‌های بد کارنامه‌شان به دست چپشان

۱. حاقه، ۱۹.

۲. حاقه، ۲۱-۲۳.

است، نمرات بد دارند، مایه سرافکندگی و شرمساری آنهاست و سرانجام به سوی جهنم کشانده می‌شوند. «وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهٗ... خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ثُمَّ الْحَجِيمَ صَلُّوهُ»^۱.

پسرم، وقتی سرت را مسح می‌کشی، بگو: خدایا سرتا پا مرا غرق در رحمت خود کن. «اللَّهُمَّ غَشِّي بِرَحْمَتِكَ»

عزیزم، وقتی پاهایت را مسح می‌کشی، بگو: خدایا قدم‌هایم را بر پل صراط ثابت بدار و مرا به سلامت به بهشت برسان. روی جهنم پل باریکی به نام صراط است که خیلی‌ها از روی آن پایین می‌افتند. در وضوی نماز از آن پل یاد می‌کنیم.

پسرم هر وقت پاهایت را مسح می‌کشی، به خدا بگو: خدایا آن روزی که همه قدم‌ها روی پل صراط می‌لغزند، قدم‌های مرا ثابت بدار و مرا به سلامت به بهشت برین وارد کن. این نمونه آموزش عمل نماز است.^۲ از این روایت معلوم می‌شود که پدر و مادرها برای آموزش احکام به بچه‌هایشان وظیفه‌ی ویژه‌ای دارند.

از الآن باید خودمان را آماده کنیم که بتوانیم با سرعت و سلامت از آن پل رد شویم.

۱۶- ویژگی‌های دختران

پیامبر عزیز اسلام ﷺ به جامعه اسلامی سفارش می‌کرد که به دختردارها توجه ویژه کنند. آن حضرت می‌فرمود:

۱. حاقه، ۲۵ - ۳۳.

۲. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۳۱۹.

«بهترین فرزندان شما دختران هستند».^۱

«هر کس که دختری دارد، خداوند یاری دهنده او، برکت بخش به او و آمرزنده او خواهد بود».^۲

«مهر ویژه خداوند بر پدر دختران باد. دختران مبارک و دوست داشتنی اند و پسران بشارت دهندگانند و دختران باقیات صالحات هستند».^۳

«هر خانه‌ای که در آن دختر باشد، هر روز دوازده برکت و رحمت از آسمان ارزانی اش می‌شود و زیارت فرشتگان از آن خانه قطع نمی‌گردد، در حالی که در هر شبانه روز برای پدر آن دختران عبادت یکسال نوشته می‌شود».^۴

«هر کس سرپرستی دو یاسه دختر را داشته باشد، بامن در بهشت خواهد بود».^۵

«خدای متعال به آنهایی که دختر دارند، نظر خاصی دارد». همچنین می‌فرمود: «خوشا به حال مردی که اولین فرزندش دختر باشد». و خداوند دختر عزیزی به آن حضرت داد که در قرآن او را کوثر نامید.

در روایات آمده است: به پیامبر خدا ﷺ بشارت تولد دختری دادند. حضرت با نگاهی به چهره اصحاب دریافت که آنها از این خبر ناخرسندند؛ از این روی فرمود: «شما را چه شده، گلی به من داده شده که او را ببویم و روزی اش بر عهده خداوند متعالی است».^۶

امام صادق علیه السلام فرمود: «آن‌گاه که مردی صاحب دختری شد، خداوند فرشته‌ای به سوی نوزادش روانه می‌کند که بال بر سر و سینه او کشد

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۱۶.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

۵. همان.

۶. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۲.

و گوید: کودکی ضعیف آفریده شده است. انفاق کنندگان بر او از سوی خداوند یاری خواهد شد»^۱.

از نظر شرعی، دخترها زودتر از پسرها به تکلیف می‌رسند. این یعنی استعداد آنها در مسئولیت‌پذیری و انجام تکالیف الهی زودتر از پسرها شکوفا می‌شود. خداوند دخترها را زودتر از پسرها شایسته دانسته و به آنها مسئولیت سپرده است.

خدای مهربان یک سوره را در قرآن به نام یک دختر، «مریم» یعنی عبادت‌کننده نامیده و در آن سوره بیشتر از عبادت این دختر تعریف کرده است. خداوند در توصیف حضرت مریم در قرآن می‌فرماید: **«كَلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا»**^۲، هرگاه زکریای پیامبر عَلَيْهِ السَّلَام بر حضرت مریم وارد می‌شد، او را در حال عبادت و نماز می‌دید و کنار سجاده‌اش غذایی آماده می‌یافت. یک دختر کم سن و سال آنقدر اوج گرفته و دلش با خدا صاف شده است. وقتی نماز می‌خواند در کنار سجاده او غذایی از بهشت و غذایی آسمانی برایش می‌آمد. حضرت زکریا عَلَيْهِ السَّلَام تحت تأثیر کمال معنوی این دختر قرار گرفت و پرسید: این خوردنی‌ها از کجا آمده است؟ مریم جواب می‌داد: که این از جانب خداست، همانا خدا به هر کس خواهد روزی بی حساب دهد.. **«هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِرِزْقِ مَنْ يَشَاءُ بَغِيرِ حِسَابٍ»**.

حضرت زکریا که شوهر خاله مریم بود و فرزندی نداشت، با دیدن این کمالات دلش شکست و همان جا از خدا درخواست فرزند کرد، دعایش

۱. همان.

۲. آل عمران، ۳۷.

مستجاب و خداوند به او فرزندی به نام یحیی عطا کرد. آری دختر می‌تواند به مقامی برسد که مخاطب خداوند متعال قرار بگیرد. فرشتگان به او خطاب می‌کنند: «**يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ**»^۱، ای مریم، خداوند تو را برگزیده و تو را پاکیزه قرار داده و تو را سرآمد و برجسته‌ترین زنان عالم قرار داده است. و همچنین خطاب می‌کنند: «**يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ**»^۲، ای مریم، فروتنی کن در پیشگاه خدا، (قنوت یعنی اطاعت و فروتنی) و سجده کن و با رکوع کنندگان رکوع به جا آور. لذا خدای بزرگ این دختر و پسرش را آیت الله یعنی نشانه بزرگ خود نامیده است. «**وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِّلْعَالَمِينَ**»^۳.

باید مواظب عبادت و نماز و روزه همه بچه‌ها و به ویژه دختران باشیم. دخترها را بیشتر و بیشتر برای بندگی خدا آماده کنیم و بدانیم که اگر دخترها درست تربیت شوند، نسل‌های آینده در دامن آنها تربیت می‌شوند. رضوان خدا بر روح بلند بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی رحمته‌الله که فرمود: «از دامن زن، مرد به معراج می‌رود»^۴. و شغل زنان، شبیه شغل انبیا است.

در حدیث داریم: «ثواب تربیت یک دختر، برابری می‌کند یا فضیلت دارد بر ثواب تربیت هفت پسر. دختردارها به خودشان ببالند».

از امامان معصوم نقل شده است که ما دخترانمان را از پنج سالگی و پسران

۱. آل عمران، ۴۲.

۲. صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۴۱.

۳. انبیاء، ۹۱.

۴. انبیاء، ۹۱.

را از شش سالگی برای نماز آماده می‌کنیم، شما یک سال دیرتر، دختران را از شش سالگی و پسران را از هفت سالگی، برای نماز آماده کنید. خداوند متعال ویژگی‌هایی را در وجود دختران قرار داده و قابلیت‌هایی عطا کرده است، که بهتر است ما از این ظرفیت استفاده کنیم.

۱۷- بیدار کردن اهل خانه برای نماز

از آیات قرآن کریم روایات استفاده می‌شود که در بین نمازهای شبانه روز، نماز صبح از اهمیت خاصی برخوردار است. صبح زمانی است که بارها قرآن به آن اهمیت داده و سوگند یاد کرده است. مانند: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُوداً»^۱، نماز را از زوال خورشید (هنگام ظهر) تا نهایت تاریکی شب [نیمه شب] برپا دار و همچنین قرآن فجر [نماز صبح] را، چرا که نماز صبح، مشهود (فرشتگان شب و روز) است.

از جمله سؤالاتی که پدر و مادرها می‌پرسند، این است که ما با نماز صبح بچه‌ها چه کنیم؟ بیدار شدن بچه‌ها خیلی سخت است، با چه شیوه‌ای آنان را به نماز صبح علاقه‌مند کنیم؟

خواب یکی از نعمت‌های خدا و برای آرامش انسان است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتاً»^۲، خواب را برای آرامش شما قرار دادیم. یا در سوره روم می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ»^۳، این خواب شما در روز یا شب از نشانه‌های پروردگار است. انسان احتیاج

۱. اسراء، ۷۸.

۲. نبا، ۹.

۳. روم، ۲۳.

دارد به استراحت، ولی خوب بیدار شدن از خواب شیرین هم مهم است. مخصوصاً بیدار شدن از خواب برای عبادت، قرآن می‌فرماید: کسی که در دل شب پهلویش را از رختخواب می‌کند و به عبادت می‌ایستد، پاداش چنین کس را جز خدا نمی‌داند. «تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۱. از این معلوم می‌شود از برخاستن برای عبادت، کار سختی است. معمولاً کارهای سخت پاداش‌های بزرگ دارد.

حالا با بچه‌ها چه کنیم؟ پیامبر عظیم الشان اسلام صبح‌ها که بلند می‌شدند، بچه‌هایش را با بوسیدن و با نوازش کردن بیدار می‌کردند. با مهربانی و محبت نه با تندی و خشونت و فریاد! بچه‌ها باید خاطره‌ی خوشی از نماز صبح کودکی خود داشته باشند.

خانم زهرا مصطفوی دختر امام، چنین نقل می‌کند:

«حضرت امام غالباً دیگران را با عمل، نه با کلام، به ادای فرایض دعوت می‌کردند. همواره سعی داشتند کلام حق را با حلاوت و شیرینی و آرامش و ملاحظت قرین سازند. هرگز در این خصوص به عتاب متوسل نمی‌شدند و عبادت خدا و انجام واجبات را در نظر دیگران سنگین و طاقت فرسا جلوه نمی‌ساختند. همسرم به جهت عادت خانوادگی، دخترم را از خواب صبحگاهی بیدار می‌کرد و به نماز و می‌داشت. امام وقتی از ماجرا خبردار شدند، برایش پیغام فرستادند که: چهره شیرین اسلام را به مذاق بچه تلخ نکن.

این کلام آنچنان مؤثر افتاد و اثر عمیقی بر روح و جان دخترم به جای گذاشت که بعد از آن خودش سفارش می‌کرد که برای اقامه نماز صبح، به موقع بیدارش کنیم.^۱

تقریباً همه‌ی فقیهان بر مسئله آماده سازی و تمرین کودکان در دوران کودکی نسبت به تکالیف عبادی تأکید کرده‌اند. فقیهان در کتاب‌های فقهی بابی با عنوان «**احکام الصبی**»، به اعمال عبادی کودکان غیربالغ و وظایف والدین در این رابطه اختصاص داده‌اند که از مجموع آنها این اصل مهم تربیتی استنباط می‌شود. در فقه آمده است پدر و جدّ پدری، شرعاً موظّف به تمرین دادن کودکان به عبادت می‌باشند.^۲

ما باید با توضیح دادن نماز و بیان ارزش نماز و بیان ارزش خود بچه‌ها که چه مقامی در پیشگاه خدا پیدا می‌کنند، کاری کنیم خود بچه مشتاق شده و از ما بخواهد صبح‌ها او را برای نماز بیدار کنیم.

امام صادق علیه السلام فرمود: چقدر خوب است در خانه‌ها فضایی باشد که وقتی یکی از اهل خانه بلند می‌شود نماز بخواند، صدایش را آرام آرام بلند کند و دیگران را هم بیدار کند. البته این مربوط به خانواده‌هایی است که با هم صمیمی هستند و نباید مردم آزاری باشد و رنجیدگی خاطر پیدا شود. اکنون برای بیدار کردن صبح کودکان چند نکته و راهکار را تقدیم می‌کنم. **نکته اول:** بچه‌ها را شب زود شام بدهیم که در بیدار شدن صبح آنان تأثیر دارد.

نکته دوم: طوری برنامه ریزی کنیم که بچه‌ها به اندازه کافی بخوابند.

۱. پدر مهربان، میریان، ص ۸۳.

۲. توضیح المسائل، مسئله ۱۳۸۹.

بچه‌ها نیاز دارند هشت ساعت در روز بخوابند، معلوم است وقتی برنامه‌های تلویزیون تا پاسی از شب می‌گذرد، صبح بیدار شدن بچه‌ها سخت است. برنامه‌های جذاب تلویزیون که در پایان شب پخش می‌شود می‌توانیم تکرارش را در روز تماشا کنیم تا بچه‌ها زود بخوابند، زود خوابیدن در زود بیدار شدن آنها تأثیر دارد.

نکته سوم: شب‌ها غذای با طبع سرد نخورند. غذای چرب و سنگین نخورند.

نکته چهارم: بچه را تشویق کنیم رضا مصطفوی (نوه امام خمینی)، نقل می‌کند:

«من هر موقع پیش امام می‌رفتم، مرا تشویق به خواندن نماز می‌کردند. اولین روزی که برای نماز خواندن پیش امام رفتم، پنج ساله بودم و پشت سر امام هر کاری که امام می‌کردند من هم می‌کردم، امام دو سه تا کتاب به من دادند و این تشویقی شد که نمازم را ادامه بدهم»^۱.

نکته پنجم: اگر نماز صبحشان را نخواندند، آنها را به قضای نماز در روز بعد توصیه کنیم. مرتضی اشراقی (نوه امام خمینی)، چنین نقل می‌کند: «امام می‌پرسیدند: نماز خوانده‌اید؟ می‌گفتیم: بله، نماز ظهر را خوانده‌ایم، ولی نماز صبح را خواب ماندیم. می‌گفتند: نماز صبح را خواب می‌مانید، می‌توانید هر وقت که بیدار شدید، نماز صبح را بخوانید»^۲. اینها توصیه‌هایی است که کارشناسان به ما می‌گویند.

نکته ششم: برای بیدار کردن کودکان در صبح، با تشویق و نوازش و

۱. پا به پای آفتاب، ج ۱، ص ۲۲۸.

۲. پدر مهربان، میریان، ص ۷۰.

بوسیدن، آنها را بیدار کنیم.

نکته هفتم: اگر سختشان بود، تا طلوع آفتاب فرصت هست، مدارا و ارفاق کنیم. به قول بزرگی، اسلام باید دین شیرین و آسان در ذهن بچه‌ها باشد.

نکته هشتم: بیدار کردن بچه‌ها برای نماز صبح خیلی مهم است، ولی ظرافت دارد. شب از بچه‌ها اجازه بگیریم که عزیزم، اجازه می‌دهی فردا صبح بیدارت کنم؟ یک تفاهمی با آنها برقرار کنیم تا مشترکاً این دستور و فرمان خدا را نهادینه کنیم. من یادم هست شیرینی نماز صبح را از مادرم دارم. کمتر از ده سال داشتم، مرا نوازش می‌کرد و صبح‌ها مرا بیدار می‌کرد و وضو می‌گرفتیم و به مسجد می‌رفتیم. پدر و مادرها در شیرینی دین خیلی نقش دارند.

۱۸- نمازخانه در خانه

یکی از چیزهایی که در نماز بچه‌ها تأثیر دارد، نمادهایی است که در خانه باید باشد، نشانه‌ها، علامت‌ها، تابلوها و چیزهایی که وقتی انسان نگاهش می‌کند یاد چیزی می‌افتد. برای ما مسلمان‌ها نماز ستون دین است. نماز، کلید بهشت است. باید با مطالعه کردن و مشورت گرفتن، بیاموزیم چگونه اهمیت دادن به نماز را به کودکان خود منتقل کنیم.

امام صادق علیه السلام فرمود: چقدر خوب است اهل خانه هر جا نماز می‌خوانند، یک جای ثابتی باشد. همه بدانند پدر اینجا نماز می‌خواند. مادر اینجا نماز می‌خواند. از آن بهتر این است که در خانه ما یک اتاقی برای نماز داشته باشیم. الآن در معماری خانواده‌های مسلمان، حال و آشپزخانه

هست، اتاق مهمان هست، اتاق خواب هست، سرویس‌ها و راهرو هست، اما چیزی به اسم اتاق نماز نداریم. معلوم است از سبک زندگی مسلمانی فاصله گرفتیم.

همچنین آن حضرت فرمود: جدم امیرمؤمنان علی علیه السلام در خانه‌اش یک مکانی نه خیلی بزرگ و نه خیلی کوچک، مخصوص عبادت داشت، بچه‌هایش را که می‌خواست بخواباند، در اتاق عبادت می‌برد و اشعاری که از پدرش ابوطالب درباره‌ی خداپرستی بود، برای بچه‌ها لالایی می‌خواند تا بچه‌ها در اتاق نماز به خواب بروند و بعد آنها را به اتاق دیگر می‌برد.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «حضرت علی علیه السلام اتاقی را در خانه‌اش برای خواندن نماز اختصاص داده بود، چون مقداری از شب می‌گذشت یکی از کودکانش را که بیدار بود، همراه خود به آن اتاق می‌برد و مشغول نماز می‌شد» و در جایی دیگر می‌فرمایند: «حضرت علی علیه السلام در خانه خود اتاقی داشت که در آن غیر از فرش و شمشیر و قرآن چیز دیگری نبود و در آن اتاق نماز می‌خواند»^۱.

در خانه یک جایی داشته باشیم، فلشی باشد که قبله را نشان دهد، منظورمان یادآوری برای عبادت و طاعت خداست. سجاده‌ای داشته باشیم. من دیدم بعضی خانه‌ها در همین تهران از همان اول که ساخته می‌شود، محرابی در یک جای خانه می‌گذارند، مهمان که وارد می‌شود، اعضای خانواده به یاد نماز می‌افتند. به یاد خدا می‌افتند. این نمادها و نشانه‌ها باید ما را آسمانی کند و رنگ الهی به ما بدهد.

البته بهترین جا برای نماز، مسجد است، ولی ما به ناچار بعضی نمازهایمان را در خانه می‌خوانیم، پس در خانه یک نشانه‌هایی باشد.

نقل شده که همه اطراف اتاق امام صادق علیه السلام مزین به آیه الکرسی بوده و در سمت قبله و مکان عبادت آن حضرت نیز از آیات قرآن استفاده شده بود. اسلام از زیبایی و زینت متعارف که با موازین شرعی مطابقت داشته باشد، استقبال می‌کند. خیلی از خانه‌ها تابلوی آیه «**وان یکاد**» هست، یا یک حدیث و آیه‌ای از خدا و یا سخنی از پیامبر هست. اینها نشانه‌هایی هستند که دل ما را به سمت خدا می‌برند.

خلاصه اینکه باید مجموعه فعالیت‌هایی را انجام بدهیم تا یک نسل نمازگزار از ما باقی بماند. یکی همین فضا سازی داخل خانه است. فضای خانه و دکوراسیون خانه را طوری مرتب کنیم که خدا و نماز در آن یک سهمی داشته باشد.

۱۹- اذان گفتن در خانه

همه ما در این دنیا نسبت به دینمان مسئولیت داریم. مبلغ دین فقط کسانی نیستند که به حوزه می‌روند و درس حوزه می‌خوانند و چنان لباسی می‌پوشند. همه‌ی مسئول هستیم و می‌توانیم مبلغ باشیم. مثلاً برای نماز تبلیغ کنیم. تبلیغ نماز با اذان گفتن است. اذان سرودی است که اعتقادات ما در آن آمده است، با جملاتی کوتاه و مفاهیمی بلند. سرودی که جبرئیل آن را آورده و وحی الهی است و پیغمبر صلی الله علیه و آله ابتدا آن را به بلال حبشی آن شخصیت مؤمن و مقاومی که برای خداپرستی شکنجه‌های طاقت فرسایی را تحمل کرد، تعلیم داد و مؤذن رسول خدا صلی الله علیه و آله شد.

امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: چون جبرئیل، اذان را بر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرود آورد، سر آن حضرت در دامان علی علیه السلام بود. جبرئیل اذان و اقامه گفت، چون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بیدار شد، علی علیه السلام گفت: آیا شنیدی؟ حضرت فرمود: آری. گفت: حفظ کردی؟ فرمود: آری و فرمود که بلال را

صدا کنید. علی علیه السلام بلال را خواست و پیامبر صلی الله علیه و آله به او آموخت.^۱

از آن به بعد پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله آنقدر درباره فضیلت اذان سخن گفت که امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: یا رسول الله، آن طور که شما می فرمایید، پس در آینده سر اذان گفتن دعوا خواهد شد. پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: روز قیامت اذان گوها با قامت های بلند وارد محشر می شوند و بقیه با حسرت به آنها نگاه می کنند که چه مقامی دارند.

در حدیث می خوانیم: «پسران خود را تشویق کنید تا در خانه اذان بگویند». همچنین: «اگر می خواهید شیطان ها به خانه شما رفت و آمد نکنند، اگر می خواهید جنیان به خانه شما رفت و آمد نکنند، در خانه اذان بگویید». «اگر می خواهید فرشته ها به خانه شما رفت و آمد کنند، در خانه اذان بگوئید».

کار سختی نیست، بچه ها یک دوره آموزش اذان گوئی می بینند تا با صوت خوش که همسایه ها لذت ببرند اذان بگویند. ما هم اگر پسری نداریم یا همه فرزندان ما از خانه رفته و زندگی مستقلی دارند، در بین همسایه ها در مجتمعی که هستیم، در محله ای که هستیم، وقتی صدای اذان نوجوانی را می شنویم، او را تشویق کنیم. یک کادویی هدیه ای به

او بدهیم. افتخار کنیم صدای الله اکبر در فضای جامعه ما پخش است. الآن خیلی‌ها در خانه‌های چند طبقه و سازمانی سکونت دارند. پسرهای مجتمع را تشویق کنیم، فقط در مسجد نه، در خانه‌ها و اماکن عمومی وقت اذان که می‌رسد، پنجره‌ها را باز کنند و اذان بگویند.

اگر می‌خواهیم بچه‌هایمان را بیمه کنیم، یعنی شیطان در آنها نفوذ نکند، راه آن اذان است، بچه‌ای که اذان می‌گوید، خیلی بعید است نماز نخواند. دخترها هم می‌توانند در جمع دخترها و بانوان اذان بگویند.

اذان گفتن در خانه‌ها را رسم کنیم. در بعضی کشورهای اسلامی چون تشویق شده، اذان گفتن مردان و پسران در خانه‌ها، زیاد مرسوم است. در احادیث متعدد آمده است: کسی که اذان می‌گوید تا آنجایی که صوت او می‌رسد، ذرات هوا بر او درود می‌فرستند، فرشتگان بر اذان‌گویان درود می‌فرستند.

اذان، تبلیغ نماز است و همه خودمان را در تبلیغ به نماز با اذان گفتن شریک کنیم. به این آیه قرآن توجه کنیم: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ»^۱، چه سخنی خوشتر از دعوت به خداست. از این خوشتر سخن نداریم. بیاییم خود و دیگران را به خدا گره بزنیم و با خدا آشتی بدهیم که اگر انسان با خدا آشتی کرد، سرسبز و خرم می‌شود. در حدیث می‌خوانیم: یک نفر در جمعی که غافل هستند، خدا را یاد کند، مثل تک درختی در کویر است. «ذاکر الله فی الغافلین کالشجرة الخضراء فی وسط الهشیم»^۲.

آری، یاد خدا نشانه‌ی سرسبزی و خرمی دل ماست. بیاییم خودمان را

۱. فصلت، ۳۳.

۲. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۰، ص ۱۵۳.

شریک کنیم. بچه‌هایمان را جایزه بدهیم و تشویق کنیم اذان بگویند.

۲۰- قبولی نماز اعضای خانواده

نماز و عبادات چهار مرحله دارد:

مرحله اول، تکلیف.

مرحله دوم، صحت.

مرحله سوم، قبولی.

مرحله چهارم، کمال.

و هر یک از این مراحل، شرایطی دارد.

مثلاً شرایط تکلیف این است: باید بالغ باشد، عاقل باشد، قادر باشد.

شرایط صحت: باید از مرجع و عالم دینی تقلید کنیم، بدون تقلید، کارهای ما مشکل پیدا می‌کند. باید اذکار را درست ادا کنیم. باید کارها را درست انجام بدهیم. باید بر اساس فتوای مرجع تقلید انجام شود تا صحیح باشد.

شرایط قبولی: اسلام شرایط زیادی را برای قبولی گذاشته است؛ شرطهای عقیدتی، اخلاقی، اجتماعی، خانوادگی و غیر آن. درحقیقت اسلام قبولی نماز و عبادت را به همه زوایای زندگی گره زده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «**كُونُوا عَلَى قَبُولِ الْعَمَلِ أَشَدَّ عِنَايَةً مِنْكُمْ عَلَى الْعَمَلِ**»^۱ به قبولی عمل، بیش از اصل عمل توجه داشته باشید.

انسان ممکن است برای پذیرش در جایی، هم کارت ورود بگیرد، هم طبق مقررات ظاهری عمل کند، ولی در زمان مصاحبه، به دلایلی مانند

فساد اخلاق یا سوء سابقه رد شود. عبادات هم ممکن است از نظر مقررات الهی، درست انجام گیرد، ولی به دلایلی مورد قبول خدا نشود.

مثلاً زن و شوهر اگر می‌خواهند نمازشان قبول باشد باید از هم راضی باشند. در حدیث آمده است: اگر زنی تمام عمرش روزه بگیرد و همیشه نماز بخواند و هر ساله به حج خانه خدا برود و اموال زیادی را در راه خدا انفاق کند، اما شوهرش را آزرده و از او راضی نباشد، نمازها و عبادت‌های او قبول نیست و اگر مردی هر ساله به حج خانه خدا برود و هر روز روزه بگیرد، همیشه نماز بخواند و به جهاد راه خدا برود، اما همسرش را آزرده کند و از او راضی نباشد، نه نماز و نه دیگر کارهای خوب او قبول نیست.

﴿لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهَا وَلَا حَسَنَةً مِنْ عَمَلِهَا﴾^۱

در حدیث دیگری می‌خوانیم: فرزندان اگر از روی ظلم و با خشم و غضب به پدر و مادر نگاه بکنند، نمازشان قبول نیست. «مَنْ نَظَرَ إِلَى أَبِيهِ نَظْرَ

مَا قَتٍ وَهُمَا ظَالِمَانِ لَهُ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ صَلَاةً»^۲.

ما احتیاج داریم به قبولی نماز و عبادت‌مان، بیاییم تصمیم بگیریم اخلاق خود را در خانه عوض کنیم. اخلاق خوش و محمدی داشته باشیم به قصد اینکه خدا نماز ما را قبول کند. زن و شوهر به هم مهربانی کنند، بچه‌ها با پدر و مادر با احترام و محبت رفتار کنند. والدین در مورد تربیت بچه‌ها کوتاهی نکنند. قبولی و پذیرش عمل، خیلی موضوع مهمی است. نکند روز قیامت بگویند: نماز خواندی و نمازت هم درست بود، اما درجه و جایزه‌ای به تو نمی‌دهند و مورد قبول واقع نشده است. مثل اینکه اگر

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۶.

۲. کافی، ج ۲، ص ۳۹۴.

کسی غیبت کسی را بکند، تا چهل روز نمازش قبول نیست. رسول خدا ﷺ منقول است که فرمود: «مَنْ اغْتَابَ مُسْلِمًا أَوْ مُسْلِمَةً لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ تَعَالَى صَلَاتَهُ وَلَا صِيَامَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَ لَيْلَةً إِلَّا أَنْ يَغْفِرَ لَهُ صَاحِبُهُ»،^۱ کسی که غیبت مرد یا زن مسلمانی را بنماید تا چهل روز نماز و روزه او مورد قبول حضرت حق قرار نمی‌گیرد، مگر آنکه آن شخص از او درگذرد. نه اینکه نماز نخوانده باشد! بلکه نماز خوانده ولی قبول نشده است باید مراقب باشیم تا غیبت نکنیم و آبروی دیگران را حفظ کنیم تا قبولی نماز ما آسیب نبیند

یا در مسائل سیاسی اگر کسی به امام اعتقاد نداشته باشد، به پیشوایی که از جانب خدا معرفی شده اعتقاد نداشته باشد، نماز و عبادتش قبول نیست. داشتن ولایت اهل بیت: و برائت و بیزاری از دشمنان آنان: در روایتی وقتی از حضرت سجاد ع درباره سبب قبول نماز پرسیده شد، حضرت فرمود: «وَلَا يَتَنَا وَالْبِرَاءَةُ مِنْ اَعْدَائِنَا»؛^۲ ولایت ما و بیزاری از دشمنان ما، عامل قبول نماز است.

زن و شوهرها به هم عشق بورزند به نیت قبولی نماز، به نیت جلب رضایت خدا بچه‌ها و والدین به هم عشق بورزند و از والدین اطاعت کنند، برای قبولی نماز و عباداتشان.

۲۱- تخفیف در انجام نماز برای بچه‌ها

آیه‌ای در قرآن هست که شاید همه ما آن را حفظ باشیم، آیه: «لَا يُكْفَى

۱. جامع الاخبار، ص ۱۷۱.

۲. بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۹۸.

اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا،^۱ خداوند به هرکسی به اندازه توانش تکلیف می‌دهد و مسئولیت می‌خواهد.

گاهی خانواده‌ها می‌گویند: بچه اول و دوم ما خیلی راحت نماز می‌خواندند، این بچه سومی چقدر اذیت می‌کند و مرتب نماز نمی‌خواند. استاد بنده حاج آقای قرائتی بچه‌ها را تشبیه می‌کند به میوه‌ها، می‌فرمایند: بچه‌ها مثل میوه‌ها هستند: بعضی توتی، بعضی اناری، بعضی گردویی و بعضی نارگیلی هستند. میوه توت هسته و پوسته ندارد، اول تابستان می‌رسد، خیلی راحت می‌ریزد، چیدنش خیلی آسان است و مزه‌اش شیرین شیرین است. میوه دیگر انار است که پایان تابستان می‌رسد و چیدنش مقداری مشکل است. پوست دارد، شیرین شیرین نیست و شیرین و ترش دارد. انار هم برای خداست. توت هم برای خداست. میوه سوم گردو است که در پاییز می‌رسد و چیدن آن سخت است و کار هرکسی نیست. به گونه‌ای که برخی برای بالارفتن از درخت و چیدن گردو دچار آسیب می‌شوند. آنهایی که می‌خواهند گردو بچینند، یک چوب بلندی دارند و تلاش می‌کنند تا تک تک گردوها را بچینند و با زحمت به نتیجه می‌رسند. چون گاهی گردوی سبز پشت برگهای سبز پنهان است. میوه دیگر نارگیل است، کندنش خیلی سخت‌تر از گردو است. چند پوسته دارد مثل فولاد، ولی قلب شیرینی دارد و شیرهی نابی دارد.

بچه‌ها را باید اینطور نگاه کنیم. خداوند مثل گله‌ها و میوه‌ها بچه‌ها را متنوع آفریده است، ظرفیت‌های آنها با هم فرق می‌کند و استعدادهایشان

متفاوت است. باید با هر کدام متناسب با توانشان برخورد کرد. امامان ما به ما یاد دادند، به بچه‌هایی که توان کمتر دارند، تخفیف بدهیم.

در اسلام آمده که مستحب است نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشاء را با فاصله بخوانید. ولی پیغمبر عزیز اسلام ﷺ اجازه داده‌اند که در سفر و غیر سفر نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشاء را با بدون فاصله و با هم بخوانید به عنوان یک تخفیف^۱.

امام زین العابدین علیه السلام درباره نماز بچه‌ها می‌فرمودند: بگذارید نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشاء را با هم بخوانند. بهتر از این است که با فاصله نماز بعدی آنها ترک و قضا شود.

تخفیف در انجام نماز می‌تواند ما را در جذب بچه‌ها کمک کند، اگر نماز را طول ندهیم، بچه‌های بیشتری می‌آیند، این کار را بکنیم. گاهی خانواده‌ها می‌گویند: بچه من نسبت به نماز صبح خیلی سخت است. من می‌گویم: کاری نکنید که همان چند تا نماز دیگر را هم نخواند. ما با تخفیف و ارفاق باید کاری کنیم بنیانی که برای این بچه طراحی شده کمال پیدا کند.

گاهی ما توقع نادرستی داریم که کودکان علاوه بر نماز واجب، همه مستحبات را انجام بدهند! یک نماز واجب سه چهار دقیقه طول می‌کشد، آسان بگیریم. اسلام دین شیرین و آسانی است. اگر بتوانیم شیرینی عبادت را به بچه‌ها بچشانیم، آنها بطور خودکار علاقمند خواهند شد.

نوجوانی به رسول خدا ﷺ گفت: یا رسول الله، من از پنج نماز یک نماز را

می خوانم. پیغمبر فرمود: عزیزم همان یک نماز را بخوان. بعد از دو ماه دیدند همه نمازها را می خواند. تخفیف و آسان گیری برای کودکان، یکی از راه‌هایی است که رهبران ما به ما یاد داده‌اند.

خانم مصطفوی دختر امام خمینی رحمته‌الله علیه تعریف کردند که همسرم بر بچه‌ها نماز را در کودکی سخت می‌گرفت. هنگامی که حضرت امام از این موضع مطلع شدند به دامادشان پیغام دادند که اسلام شیرین را در کام بچه تلخ نکن. همین اندازه که این پیغام به فرزندم رسید، شادمان شد و پس از آن به من و پدرش گفت: من از شما می‌خواهم که برای نماز صبح مرا صدا بزنید تا خواب نمازم.

۲۲- پدر و پسر در خدمت نماز

از چیزهایی که اسلام خیلی می‌پسندد، تعاون و همکاری است. این آیه را بسیاری از ما حفظ هستیم: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى»^۱، در خوبی‌ها و پاکی‌ها با یکدیگر همکاری کنید.

یکی از بهترین نمونه همکاری‌ها، همکاری اعضای خانواده است. ما در ابواب فقهی و حدیثی سرفصلی داریم تحت عنوان کمک پدر و مادر به بچه‌ها، در خوبی‌ها، در عبادت‌ها و در خیرات.

پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله فرمود: اگر پدر و مادر به بچه‌ها در خوبی‌ها کمک کنند، خداوند آنها را می‌آمزد و به آنها پاداش می‌دهد. پرسیدند: یا رسول الله، آن چه نوع کمکی است؟ حضرت فرمودند: کار کم آنها را قبول کنند و از اشتباهات آنها صرف نظر کنند و چیزی را به آنها تحمیل و اجبار نکنند.

«يَقْبَلُ مَيْسُورَهُ وَيَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورِهِ وَلَا يُرْهَقُهُ وَلَا يَحْتَرِّقُ بِهِ»^۱.

در سوره مبارکه بقره، گزارش همکاری یک پدر و پسر نازنین آمده است. قرآن می‌فرماید: اولین خانه‌ای که ساخته شد، کعبه بود.^۲ گفته‌اند: آدم ابوالبشر بانی کعبه است، اما سالیانی گذشت و این خانه خراب شد و حضرت ابراهیم علیه السلام از طرف خدا مأمور شد خانه کعبه را بازسازی کند. قرآن می‌فرماید: «وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ»^۳، این مأموریت را یک پدر و پسر با هم به انجام رساندند؛ پدری نود ساله همراه پسر نوجوانش.

این ماجرا بیانگر آن است که در خانه باید بین اعضای خانواده، مادرها و دخترها، پدرها و پسرها، همکاری باشد، خداوند اصرار دارد در این ماجرا، اسم پدر و پسر را کنار هم بیاورد. در همین سوره می‌فرماید: ما قرار گذاشتیم با ابراهیم و اسماعیل که این خانه را برای طواف کنندگان، اعتکاف کنندگان، رکوع کنندگان و سجده کنندگان (نمازگزاران) پاکیزه کنند. «وَعَهَدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ»^۴.

الآن در مساجد ما باباها حضور دارند، اما پسرها نه. مادرها حضور دارند، اما دخترها نه. این یک نقص است و باید این ارزشها را زنده کرده و به نسلهای بعد منتقل کنیم. ما باید طوری برنامه‌ریزی کنیم که هفته یکبار هم که شده، دست در دست فرزندانمان به مسجد برویم. حتی اگر

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۰.

۲. آل عمران، ۹۶.

۳. بقره، ۱۲۷.

۴. بقره، ۱۲۵.

می خواهیم خدمتی در مسجد بکنیم؛ مثلاً بعضی چراغ‌های خراب مسجد را ترمیم کنیم، با کمک فرزندان این کار را انجام دهیم. اگر در هیأت امنای مسجد حضور داریم، با کمک و همکاری فرزندان باشد. در بخش بانوان مادرهایی که برای نظافت و آراستگی مسجد و برای مهیا کردن اقلام فرهنگی، خدمت می‌کنند، دخترها را در کارها شریک کنند.

قرآن کریم در سوره آل عمران قصه‌ی مادر بارداری را بیان می‌کند که بچه‌اش در شکمش بود و هنوز به دنیا نیامده بود، نذر کرد: خدایا نذر می‌کنم این بچه (برای خدمت به مسجد و بیت المقدس) آزاد باشد، از من قبول کن و بپذیر. «رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي»^۱.

این پیام‌های قرآنی است لزوم به همکاری اعضای خانواده، مادرها و دخترها و پدرها و پسرها و همه اعضای خانواده مسجد‌های ما باید پر باشد از پسرهایی که کنار پدر نشسته‌اند و دخترهایی که کنار مادر نشسته‌اند. الآن چند سال است رهبر بزرگوار انقلاب پیام می‌دهند این انقلاب باید به دست جوان‌ها بیافتد، خوب چطور باید این اتفاق بیافتد؟ پدرها باید این امانت را به پسرها بسپارند و مادرها باید این سبک زندگی را به دخترها منتقل کنند. بیائیم این همکاری خانوادگی را که مصداقی بلند از آیه «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» هست را تحقق ببخشیم.

۲۳- سفارش به نماز پیامبری در گهواره

قرآن، کتاب آسمانی، برنامه زندگی و راه خوشبختی و راه نجات ماست. خداوند در این کتاب بیش از دویست قصه آورده است. قصه قالبی جذاب

برای همه سنین و همه سلیقه‌ها می‌باشد.

یکی از قصه‌های شیرین قرآن، قصه نوزادی است که در گهواره سخن گفته است. مادرش مریم، به اذن پروردگار، بدون شوهر بچه‌دار شد. قرآن می‌فرماید: تعجب می‌کنید، اگر می‌خواهید تعجب کنید، از آفرینش حضرت آدم تعجب کنید که نه پدر داشت و نه مادر و خداوند او را از گل آفرید.

وقتی حضرت مریم، فرزندش عیسی را به دنیا آورد، مردم می‌آمدند و می‌گفتند: ای مریم، این بچه از کجا آمده است؟ تو از خانواده پاکیزه‌ای بودی، پدر و مادر و خانواده‌ات از هر گناهی پاک بودند! مریم نمی‌دانست در این ماجرا چه کار کند. از جانب خداوند به او الهام شد که در پاسخ آنان، به گهواره اشاره کن. مریم پارسا به مردم فرمود: از خود بچه پیرسید. مردم گفتند: «كَيْفَ نَكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا»^۱، چطور حرف بزیم با نوزادی که در گهواره است؟ یک وقت دیدند بچه به اذن پروردگار به زبان آمد. اول خودش را معرفی کرد: «قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا»^۲، من بنده خدا هستم. خداوند به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است. «وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا»^۳ و تا بین شما هستم و تا عمر دارم و زنده هستم، من را به نماز و زکات سفارش کرده است.

از این معلوم می‌شود که نماز از ارکان کار پیامبران بوده است، نه یک مسأله‌ی حاشیه‌ای، جنبی و خرد. یک مسأله‌ی کلانی که در کار انبیا جریان داشته است. خداوند به من مأموریت داده به برپایی نماز و

۱. مریم، ۲۹.

۲. مریم، ۳۰.

۳. مریم، ۳۱.

رسیدگی به محرومان یعنی زکات تا زمانی که بین شما هستم. همچنین سفارش به نماز باید استمرار داشته باشد. من خسته شدم، حرف من تأثیر ندارد، فایده ندارد. اینکه شرایط فرهنگی جهان تغییر کرده، اینترنت، ماهواره، عکس، فیلم نمی‌گذارد، بهانه است. از طرف خداوند به انسان یک توانایی‌هایی داده شده که می‌تواند در سخت‌ترین شرایط به اهداف درست خود برسد. به دلیل اینکه مخاطب‌های ما فطرت پاک و توحیدی دارند، حرف‌های ما در آنها تأثیر می‌گذارد. نوزادی در گهواره به سخن آمده، به اذن پروردگار، حرفش چیست؟ من تا زنده هستم، به نماز سفارش شده و به شما سفارش خواهم کرد. آری، انسان بدون معنویت و بدون رابطه با خدا و رابطه با محرومان، به جایی نمی‌رسد. از این دو عامل یعنی نماز و زکات غافل نشویم. از وقتی بچه‌ها به دنیا می‌آیند تا از این دنیا می‌روند، باید موضوع نماز را با آنها مرور کنیم.

۲۴- تحمل مشکلات خانواده برای اقامه نماز

خداوند در قرآن برای بندگان بیش از دویست قصه تعریف کرده و فرموده است: «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ». ^۱ ما بهترین داستان را برای تو حکایت می‌کنیم، ما قصه‌گو هستیم. قصه در دل آدم‌ها تأثیر می‌گذارد. قصه ساختاری دارد که همه به هم منتقل می‌کنند و برای هم تعریف می‌کنند. از تلویزیون بیشترین چیزی که مردم می‌بینند، سریال‌ها است و مبنای سریال‌ها، قصه‌ها هستند. چقدر خوب است مادرها و پدرها

قصه‌های کتاب خدا را حفظ کنند و برای بچه‌هایشان تعریف کنند. یکی از این قصه‌ها، قصه‌ی حضرت ابراهیم علیه السلام است.

محل زندگی حضرت ابراهیم علیه السلام در عراق امروز بود. در آنجا با بانویی به نام ساره ازدواج کرد. بانویی ثروتمند که همه دارایی‌اش را برای تبلیغ دین تقدیم حضرت ابراهیم علیه السلام کرد. پس از مدتی خداوند به آنان مأموریت داد که به فلسطین بروند. حضرت ساره چون بچه‌دار نمی‌شد، یک بانوی دیگری را به همسرش پیشنهاد داد به نام هاجر. حالا در خوش آب و هواترین جای کره زمین یعنی فلسطین زندگی می‌کنند. کنار دریای مدیترانه، چهار فصل، میوه‌های به روز، یک زندگی فوق العاده در آسایش. ابراهیم علیه السلام از هاجر بچه‌دار شد و صاحب فرزندی به نام اسماعیل شد. از جانب خداوند دستور آمد: ای ابراهیم با همسرت هاجر و پسرت اسماعیل به سمت حجاز، بد آب و هواترین جای زمین برو. آنجا که نه آبی دارد، نه درختی و نه محلی برای سکونت.

خیلی سخت است که در یک جایی، در یک منطقه سرسبز و حاصلخیزی، کار و فعالیت می‌کند و آسایش دارد، حالا ورقه‌ای دستش برسد که باید به سرزمینی برود که آتش تلخ، هوایش گرم و هیچ امکانات رفاهی ندارد.

اما حضرت ابراهیم آن پیامبر بزرگ خدا، تسلیم است. آن حضرت به همراه هاجر و فرزندش اسماعیل از آنجا به سمت حجاز حرکت کردند. هنگامی که به سرزمین سوزان مکه رسید، دست به دعا برداشت و این چنین دعا کرد: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا

الصَّلَاةُ، پروردگارا! من فرزندم را در سرزمین بی‌آب و علفی، در کنار خانه‌ای که حرم توست، ساکن ساختم تا نماز را برپا دارند. خدایا من خانواده‌ام را به اینجا آوردم و اکنون که به من مأموریت دادی که برای تبلیغ دین تو به عراق بروم، این خانواده‌ام را به سختی اینجا می‌گذارم و می‌روم. **رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ** پروردگارا، نیت من این است که نماز برپا شود و جمعیت‌هایی در پیشگاه تو به سر به سجده بسایند. این نشان می‌دهد که به سختی افتادن خانواده‌ها برای اقامه نماز ملت‌ها ارزش است.

اگر ما مهاجرت کنیم و در منطقه‌ای مسجدی بسازیم و یا اگر مسجدی هست، مسجد را آباد کنیم، تا خداپرستان گردهم آیند و او را پرستش کنند، این کاری ابراهیمی است. اگر مرد خانه، بانوی خانه، بچه‌های خانه، همه به تکاپو بیافتیم و یک مسجدی را از غربت در بیاوریم، این کار ابراهیمی است. مناطق محروم در ایران الی ماشاءالله زیاد است؛ روستاها و شهرهایی داریم، یا مسجد ندارد یا مسجد دارد و امام جماعت ندارد، نمازجماعت ندارد. آباد کردن مساجد به نیت رونق نماز یک کار ابراهیمی است.

حضرت ابراهیم عليه السلام این کار را به تنهایی نکرد و با کمک خانواده‌اش این کار را انجام داد، فرزندانش را به سختی انداخت و همسرش را به سختی انداخت، برای یک ارزش والا و آن اقامه نماز است. خدایا ما جای خوب و خوش آب و هوایی زندگی می‌کردیم، ولی از بس این موضوع نماز اهمیت دارد، با رغبت و طیب خاطر حاضر شدیم در این سرزمین بد آب و هوا

زندگی کنیم تا نماز برپا شود.

بیاییم ما هم پا جای پای حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام بگذاریم و برای برپایی نماز، یک تلاش و ایثاری بکنیم.

۲۵- حضور آراسته و نظیف در مسجد

یکی از اسامی خداوند متعال، طاهر یعنی پاکیزه است. در دعای جوشن کبیر می‌خوانیم: «**يَا أَطْهَرَ الظَّاهِرِينَ**»، ای پاکیزه‌ترین پاکان. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «**النَّظَافَةُ مِنَ الْإِيمَانِ**»^۱، پاکیزگی از ایمان است. همچنین فرمود: «**لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا النَّظِيفُ**»^۲، وارد بهشت نمی‌شود، مگر کسی که تمیز و پاکیزه باشد.

مسجد محل اجتماع مسلمانان باید خیلی تمیز و آراسته باشد. به قول استاد عزیزم حاج آقای قرائتی، چرا بچه‌ها اینقدر عروسی را دوست دارند؟ چون در عروسی همه با لباس‌های قشنگ و لب‌های خندان می‌آیند و شیرینی پخش می‌کنند. مسجد باید این جاذبه را داشته باشد. قرآن می‌فرماید: «**حُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ**»^۳.

به هر مسجدی که قدم می‌گذارید، با پاکیزگی و آراستگی و بوی خوش وارد شوید. امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام به مسجدی وارد شدند، دیدند یک نفر نماز می‌خواند و بوی عرق از لباس‌هایش می‌آید، اینطور نقل شده که فرمودند: تو به جای اینکه جاذبه ایجاد کنی و نمازخوان‌ها را زیاد کنی، دافعه ایجاد می‌کنی. فرش‌های مسجد، لباس‌های نمازگزاران، جا کفشی، محراب و دیوارها و

۱. بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۱۹۱.

۲. نهج الفصاحه، ص ۲۷۶، ح ۱۱۲.

۳. اعراف، ۳۱.

حیاط مسجد همه باید تمیز و جذّاب باشد.

در بعضی کشورها مساجدشان فضای سبز دارد، باغچه‌ای مرتب با حوض آبی در وسط، با آبی تمیز. در بعضی از مساجد آکواریوم‌های بزرگ در مساجدشان می‌گذارند که وقتی بچه‌ها وارد می‌شوند، ساعت‌ها می‌ایستند و ماهی‌های آن را تماشا می‌کنند. آری مسجد باید جاذبه‌ی بصری داشته باشد.

با هر لباسی به مسجد وارد نشویم. امام حسن مجتبی علیه السلام وقتی برای نماز برمی‌خاست بهترین لباس خود را می‌پوشید. شخصی پرسید: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله چرا بهترین لباس خود را پوشیده‌اید؟ امام فرمود: «**إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ فَأَتَجَمَّلُ لِرَبِّي**»، خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد. آنگاه این آیه را تلاوت فرمود: «**خذوا زینتکم عند کل مسجد**» و ادامه دادند: و من برای پروردگارم با بهترین لباسم خود را آراسته‌ام.^۱

در فرهنگ ما، خانم‌های یک لباس‌هایی دارند که فقط در عروسی‌های می‌پوشند. چه خوب است لباس‌هایی داشته باشیم مخصوص نماز و مسجد. هنگامی که می‌خواهیم به مسجد برویم، لباس‌هایمان را تعویض کنیم. حتماً از بوی خوش استفاده کنیم و برای مسجد عطری داشته باشیم.

صدها حدیث به ما رسیده که پاداش تمیز کردن مسجد، روشن کردن مسجد، آراسته کردن مسجد، خوشبو کردن مسجد، مخصوصاً روزهای پنجشنبه و جمعه، چه پاداش‌هایی دارد. پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس مسجد را خوشبو کند. الآن وسایلی ساخته شده که به طور اتوماتیک مسجدها را خوشبو می‌کند، اهمیت بدهیم. خانواده‌ها مثل همین

گروه‌های جهادی که رهبر فرزانه انقلاب مباهات می‌کند به گروه‌های جهادی، در هر محلی مسجدها را مرتب و تمیز نگه داریم. اینقدر تمیز نگه داشتن مسجد مهم است که خداوند به دو پیغمبر برای نظافت مسجد مأموریت داده است. «وَعَهْدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ»^۱، ما که خدا هستیم، قرار گذاشتیم با ابراهیم و پسرش اسماعیل که مسجد را برای طواف کنندگان و اعتکاف کنندگان، رکوع کنندگان و برای سجده کنندگان (نمازگزاران)، تمیز و پاکیزه کنند.

به قول حاج آقای قرائتی مردم دست و پا می‌شکنند تا خادم حرم امام رضا علیه السلام شوند، مسجد خانه خداست، همه باید برای خدمت به مسجد مسابقه بگذاریم. بیائیم خادم افتخاری مسجدی شویم، بچه‌هایمان را در نظافت و آراستگی مسجد شریک کنیم. در روشنایی مسجد و در سرمایش و گرمایش آن، یک فضای فوق العاده جذاب و مرغوب و رغبت انگیز که وقتی جوان ما وارد می‌شود لذت ببرد و کیف کند و نخواهد از مسجد بیرون برود. بچه‌های ما احساس کنند مسجدی‌ها همه تمیز و آراسته هستند، موهای شانه زده و دندان‌های صدفی و لباس‌های تر و تمیز و خوشرنگ. پس برای نماز و مسجد، بهترین و مرتب‌ترین لباس‌هایمان را بپوشیم.

در روایت می‌خوانیم: خوردن سیر هفتاد خاصیت دارد. اما اگر به مسجد می‌روید، سیر نخورید تا با بوی آن دیگران را آزار ندهید.

اسلام این آداب را به ما آموزش داده است.

۲۶- تمرین نماز قضا

شخصیت انسان از کوچکی با تکرار و تمرین شکل می‌گیرد. بچه‌ها نگاه می‌کنند به بزرگترها و همان کارهای آنها را تکرار می‌کنند و آرام آرام قوه عاقله آنها قوت پیدا می‌کند، به کارهایی که عادت کردند، فکر می‌کنند و با فکر و آگاهی ادامه می‌دهند. این ما هستیم که باید با تمرین عبادت، عبادت را در بچه‌ها نهادینه کنیم. بچه‌های ما، دختران از نه سالگی و پسران از چهارده پانزده سالگی به تکلیف می‌رسند، ولی امامان ما فرمودند: از پنج شش سالگی آنها را تمرین بدهید.

تمرین روزه‌داری، همین روزه‌ای که بچه‌ها روزه کله گنجشکی می‌گیرند. یک روز سحری میل می‌کنند تا ساعت نه صبح، افطار می‌کنند و دوباره نیت روزه می‌کنند و یک روزه سه ساعته می‌گیرند. این تمرین روزه‌داری است و در حدیث آمده است: تمرین نماز خواندن و تمرین روزه‌داری را سبک زندگی خود قرار دهید.

ما بزرگترها اگر به دلایلی نمازمان ترک شد و قضا شد، باید قضای آن نماز را به جا بیاوریم و اگر در بستر بیماری سخت قرار گرفتیم، وصیت کنیم برای من نماز قضا به جا بیاورند و اینها کوتاهی‌ها و کم کاری‌های من نسبت به خداست. اینها حق‌هایی است که خدا به گردن من داشته است.

جالب این که در فقه ما سفارش شده حتی همین نماز قضا را به بچه‌ها تمرین بدهیم. این بچه نماز صبح نخوانده است، الآن ساعت ده است. بگوییم: عزیزم، مریم خانم، آقا مجید، وضو بگیر و الآن نماز صبح خود را

قضا کن. آیا واجب است این بچه نماز بخواند؟ نه. آیا واجب است قضای نماز را به جا آورد؟ نه. ولی امام معصوم رهنمود داده که بچه‌هایتان را تمرین بدهید به نماز خواندن و اگر بعضی نمازهایشان ترک شد، آنها را به خواندن قضای نمازهای ترک شده، تمرین بدهید.

کتابی است به نام «نقش نماز در بهره‌وری» نویسنده این کتاب پنجاه نکته در مورد نماز و بهره‌وری آورده است. یکی همین جبران و قضای کارهایی است که انجام نداده‌ایم و یا با کیفیت انجام نداده‌ایم. مثلاً کارگری در ایران خودرو بوده در سال گذشته سه روز کار نکرده و یا حضور داشته، ولی کیفی ارائه نداده، این روزها را قضا کند. ما در مکتب نماز این درس را می‌آموزیم.

حضرت امام خمینی رضی‌الله‌تعالی‌عنه که رضوان خدا بر آن مصلح بزرگ باشد، فرمودند: نماز کارخانه‌ی انسان‌سازی است و با الهام از نماز، باقی زندگی را شکل می‌دهیم.

در اذان می‌گوییم: «**حی علی خیر العمل**»، یعنی بشتابید به سوی مدل کارها، بهترین کار نماز است. از این مدل استفاده می‌کنیم و به بقیه کارهایمان هم سرایت می‌دهیم. در نماز می‌گوید: اگر نماز ترک شد، قضا کن. معنایش این است که یک کارگر کارخانه و یک کارمند اداره اگر در کارش کم‌کاری داشته، یا درست کار نکرده است، روزهای بعد جبران کند یا حتی اگر بازنشست شده، بنویسد من اینقدر به این کارخانه یا اداره بدهکار هستم. این را مکتب نماز به ما یاد می‌دهد.

کوتاهی‌هایمان را قضا کنیم و جبران کنیم و به بچه‌ها و کودکانمان هم

این را یاد بدهیم. عزیزم، دخترم، پسر، این کوتاهی که کردی را جبران کن، قضا کن.

تمرین نماز قضا در فقه ما آمده و این باید جزو سبک زندگی ما باشد تا بچه‌ها وقتی بزرگ شدند، در هر زمینه‌ای کوتاهی دارند، جبران کنند و بگویند: این حقی است به گردن ما یا از طرف خدا یا از طرف خلق خدا، تا زنده هستیم باید جبران کنیم، اگر هم توان نداریم باید وصیت کنیم. در رساله توضیح المسائل مسئله ۱۳۸۹ می‌خوانیم: مستحب است بچه ممیز یعنی بچه‌ای که خوب و بد را می‌فهمد به نماز خواندن و عبادت‌های دیگر عادت دهند بلکه مستحب است او را به قضای نمازها هم وادار نمایند.

۲۷- میانه‌روی در عبادت

تنها دعای واجبی که همه‌ی مسلمانان در هر شبانه‌روز ده بار تکرار می‌کنند، این دعا است: «**اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ**»، پروردگارا، ما را به راه مستقیم راهنمایی بفرما.

راه مستقیم چه راهی است؟ معنایی برایش گفته‌اند، یکی راه معتدل و میانه است. امیرمؤمنان علی علیه السلام در نامه‌ایی به فرزندش فرمود: پسر، در زندگی و در عبادت خود میانه‌رو باش. «**وَأَقْتَصِدْ يَا بُنَيَّ فِي مَعِيشَتِكَ وَ**
اِقْتَصِدْ فِي عِبَادَتِكَ». 'فرزندم در زندگی میانه‌رو باش، در عبادت میانه‌رو باش، نه اهل افراط و تفریط.

در جامعه می‌بینیم کسانی که ورزش می‌کنند و درس نمی‌خوانند، یا

درس می‌خوانند، ولی ورزش نمی‌کنند. ساعت‌ها فیلم می‌بینند، اما نماز نمی‌خواند. ساعت‌ها نماز می‌خواند، ولی به ورزش اهمیت نمی‌دهد. ما مجموعه‌ای از نیازها را داریم؛ ما جسم و روح داریم؛ برای جسم، تغذیه و ورزش و برای روح، دعا و نیایش لازم است. ما قلب و عقل داریم. برای عواطف خود و برای اندیشه‌مان باید برنامه‌ریزی کنیم. ما فرد و جامعه داریم، بخشی از انرژی را برای خودم و بخشی را برای جامعه بگذارم. ما هم دنیا داریم هم آخرت؛ باید بخشی از دارایی‌ها را باید برای دنیا بگذاریم و بخشی از آن را برای آخرت. این زندگی میانه است. چنانکه در قنوت نماز چنین می‌خوانیم: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً»^۱ پروردگارا به ما هم در دنیا و هم در آخرت بهره نیکو عطا فرما، هم سیاست، هم اقتصاد. هم تعلیم و هم تربیت.

باید در حوزه‌های مختلف به اندازه‌ی لازم ورود پیدا کنیم، نه افراط و نه تفریط داشت باشیم. امام باقر علیه السلام فرمود: من در نوجوانی زیاد عبادت می‌کردم. پدرم به من فرمود: افراط نکن. خداوند همین عبادت تو را قبول کند، کافی است.

افرادی را دیدیم که در نوجوانی در عبادت افراط کردند و بعد کلاً همه عبادت‌ها را ترک کردند. افراط‌ها در بسیاری از موارد با تفریط روبرو می‌شود. بچه باید بازی کند. این همه حدیث داریم که بچه‌ها را به حال خود رها کنید بازی کنند. «دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبْ سَمِعَ سِنِينَ»^۲ فرزندت را رها کن تا هفت سال بازی کند.

۱. بقره، ۲۰۱.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۵.

افراط در عبادت، در حفظ قرآن و حدیث ما را با واکنش عکس روبرو خواهد کرد. همین اندازه که اعضای خانواده به مسجد می‌روند و با همدیگر یک نماز جماعت معقول و مختصری می‌خوانند، مناسب است. اما اگر بچه‌ها بخواهند در همه عبادت‌ها و دعاها حاضر شوند، ممکن است سرخورده شوند.

مادری پرسید: پسر هشت ساله‌ای دارم، به نظر شما او را دعای ندبه ببرم؟ (دعای ندبه یک دعای طولانی است). به او گفتم: پیشنهاد می‌کنم ده دقیقه آخر دعای ندبه بچه‌ات را ببر. این بچه وقتی وارد مجلس می‌شود و چند دقیقه فرازهای پایانی دعای ندبه را می‌شنود که: «**واجعل صلاتنا به مقبولة**» خدایا به آبروی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، نماز ما را قبول کن. «**وذنوبنا به مغفورة**» به آبروی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، گناهان ما را بریز. و آرام آرام دعای ندبه تمام می‌شود و پس از آن سفره‌ی عدسی و نان و پنیر پهن می‌شود، بچه می‌گوید: عجب مجلس قشنگی! هم مختصر بود و هم بلافاصله پذیرایی. اگر دیدی این بچه آمادگی دارد، هفته بعد پانزده دقیقه، با شیب ملایمی، نه با افراط و تفریط زیاد کن. هیأت‌هایی هستند به صورت افراطی ساعت‌ها سینه‌زنی و عزاداری می‌کنند. غافل از اینکه هر کسی توان و تحمل ندارد.

اعتدال در عبادت، رهنمود مولا امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزند خویش بود.

۲۸ - حضور بچه‌ها در مسجد

از مباحث نماز و خانواده، مسئله از حضور بچه‌ها در مسجد است. خیلی‌ها سؤال می‌کنند نظر اسلام در این باره چیست؟ بچه‌ها را به مسجد ببریم یا نبریم؟ گاهی احادیثی را هم بیان می‌کنند که از حضور و بردن بچه‌ها به مسجد نهی شده است؟!!

اما وقتی به سیره‌ی پیامبر و اهل بیت نگاه می‌کنیم، می‌بینیم بچه‌ها زمان پیغمبر در مسجد حضور داشتند. امام حسن و امام حسین علیه‌السلام وارد مسجد می‌شدند، گاهی که پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در سجده بود، سجده را طول می‌دادند. به گونه‌ای که بعد از نماز، نمازگزاران پرسیدند: یا رسول الله، در سجده به شما وحی رسید که اینقدر طول دادید؟ فرمود: نه، این بچه‌ها روی کمر من بازی می‌کردند، نمی‌خواستم بازی آنها به هم بخورد. معنای این کار چیست؟ اگر این کار نادرست بود، باید پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بفرماید: بچه‌ها را در خانه نگه دارید و به مسجد نیاورید. گاهی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بالای منبر بودند که دیدند امام حسن و امام حسین علیه‌السلام دوان دوان وارد مسجد شدند. داشتند می‌افتادند، پیغمبر سخنرانی خود را قطع کرد، آمده بچه‌ها را بغل کرده و آنان را بالای منبر برده و همراه با بچه‌ها سخنرانی خود را ادامه می‌دهد.

یک روز رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نمازش را با سرعت تمام کرد. اصحاب پرسیدند: یا رسول الله چه شده است، امروز نماز را خیلی تند خواندید؟! آن حضرت فرمود: مگر صدای گریه‌ی بچه را نشنیدید؟! معلوم شد آن طرف پرده مادری در حال نماز بوده و بچه‌اش گریه کرده است. پیغمبر به احترام

آن بچه و مادرش، نماز را سریع خواند و نهی هم نکرد. اگر ما باشیم می‌گوییم: این مادر که بود که نماز همه را به هم زد، و تندی می‌کنیم! اما می‌بینیم که پیغمبر طوری برخورد کرد که این مادر باز هم با بچه به مسجد بیاید.

بنابراین احادیثی که نهی کرده از آوردن کودکان به مسجد، دلیل خاصی دارد، دو دلیلش را بیان کرده‌اند: یکی به دلیل پاکی و نجاست است. خانواده‌هایی که مراقب پاکی بچه‌ها هستند، بچه را می‌توانند به مسجد بیاورند. چون مسجد باید طاهر و پاکیزه باشد و نباید نجس شود. اگر نجس شد، همه وظیفه دارند هرکاری دارند را رها کنند و به تطهیر مسجد بپردازند، اما بچه‌ای که در خانه با آداب حضور در مسجد بزرگ شده و نجسی و پاکی را می‌شناسد را می‌توانیم به مسجد ببریم.

علامه مجلسی تعریف می‌کند که چهار ساله بودم به مسجد می‌رفتم و برای مردم مسأله می‌گفتم.

اصحاب پیغمبر تعریف می‌کنند که بچه بودیم و به مسجد می‌رفتیم و پیغمبر از ما تفقد می‌کرد. بچه‌ها باید تجربه کنند نیایش دسته‌جمعی را. دلیل دیگری که نهی از آوردن کودکان به مسجد، سر و صدا و شلوغ کردن بچه‌هاست. خوب این را باید مدیریت کرد، خانواده‌ها مواظبت کنند و جایی برای این بچه‌ها فراهم شود که آنها را در ساعتی که نماز برپا می‌شود، آنجا مشغول باشند. پدر و مادرها هم با توصیه و پند و اندرز بچه‌ها را ببرند و جلوی شلوغ کردن آنها را بگیرند.

بچه‌ها در مسجد مایه‌ی برکت هستند. پیغمبر ﷺ فرمود: می‌خواهید

دعای شما مستجاب شود، دعا کنید و بچه‌ها آمین بگویند. شما حساب کنید از هرکسی که مسجدی و نمازخوان است بپرسید: کجا نمازخوان شدی؟ می‌گوید: در مسجد، می‌گوید: من از بچگی به مسجد می‌آمدم و تجربه شیرینی از کودکی دارند. بچه‌ها را از آمدن به مسجد نهی نکنیم. متأسفانه مساجدی هستند که در قسمت خانم‌ها به دختر بچه‌ها بی‌احترامی می‌کنند. در قسمت آقایان، بزرگسالانی که مرتب به مسجد می‌آیند، اگر یک پسر بچه در صف اول بایستد، به او بی‌احترامی می‌کنند، مسخره می‌کنند و طعنه می‌زنند.

امام زین العابدین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: بچه‌هایی که به مسجد آمدند، همه را بین صف‌ها و بزرگترها جا بدهید، تا احساس بزرگی کنند. آمدن و حضور بچه‌ها در مسجد، مایه برکت است.

۲۹- هشدار پیامبر به خانواده‌ها

ما مهربان‌تر از خدا نداریم، «**وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ**»^۱، بعد از خدا مهربان‌ترین مهربان‌ها، پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. «**وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ**»^۲ او همه را دوست دارد. پیامبر اسلام هم برای مسلمانان زمان خودش نبود، تا روز قیامت هر مسلمانی، هر مؤمنی، هر خداپرستی روی این کره خاک قدم گذارد، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ او را دوست دارد و برای هدایتش عشق و سوز دارد.

یک قصه‌ی تکان دهنده

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از خانه بیرون آمد و در کوچه جمعی از بچه‌ها را دید.

۱. یوسف، ۶۴.

۲. انبیاء، ۱۰۷.

نگرانی خودش را اینطور بیان کرد: «وَيْلٌ لِّأَوْلَادِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ» وای بر بچه‌های آخرالزمان از دست پدران و مادرانشان. گفتند: منظور شما پدر و مادرهای مشرک آنان است؟ حضرت فرمود: «لا، مِنْ آبَائِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ لَا يُعَلِّمُوهُمْ شَيْئًا مِنَ الْفَرَائِضِ»، نه از پدر و مادرهای مسلمان و با ایمان آنان که احکام دین را به بچه‌هایشان یاد نمی‌دهند. روز قیامت از پدر و مادرها می‌پرسند: این بچه‌ای که خدا به شما داد، مسائل دینی، احکام نماز و روزه‌اش، احکام حقوق مردم و احکام حجاب را به آنان آموختی؟ لازم است این پدر و مادر به بچه‌ها بیاموزند یا او را به مسجد و حسینیه برده و در کلاسی بگذارند، تا به سن تکلیف که رسیدند این مسائل را بلد باشند. آنها نه تنها به بچه‌هایشان چیزی از واجبات را یاد نمی‌دهند، بلکه اگر خود بچه‌ها هم برای آموزش آن مسائل اقدامی کردند، پدر و مادر به جای تشویق، مانع آن شده و آنها را توبیخ می‌کنند، مسخره می‌کنند. بچه‌ها را دست می‌اندازند و به اندکی از امور دنیوی آنان دلخوش هستند. «وَإِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ مَنَعُوهُمْ وَرَضُوا عَنْهُمْ بِعَرِضٍ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا»^۱ دلخوشی آنان داشتن یک دنیای خوب، غذای خوب، لباس خوب، کیف و کفش خوب، ظاهر خوب، موبایل خوب است.

آنگاه پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: من از آنها بیزارم و آنها از من بیزار هستند. خیلی این جمله خطرناک است، درباره‌ی مشرکین نیست، درباره‌ی مؤمنین و پدر و مادران مسلمانی که نسبت به احکام بچه‌هایشان، دانستنی‌هایی که یک بچه مسلمان باید بلد باشد؛ چطور وضو بگیرد،

چطور تیمم کند و قبله را بشناسد، کوتاهی کرده، می‌باشد؟ قرائت نمازش چطور باشد که صحیح باشد و از چه کسی تقلید کند. چطور روزه بگیرد و مبطلات روزه چیست. پاکی و نجسی، چه چیزهایی پاک و چه چیزهایی نجس است. نجس‌ها چطور پاک می‌شوند. پدر و مادرها وظیفه دارند. احکام دین را به فرزندان‌شان بیاموزند. اگر ما شفاعت پیغمبر ﷺ را می‌خواهیم، دوست داریم روز قیامت بر سر حوض کوثر پیغمبر ما را شفاعت کند و از دست مبارک امیرمؤمنان علی ع از آب حوض کوثر بنوشیم، الآن باید تعلیمات بچه‌هایمان را مراقبت کنیم. حتی در درس‌هایی که معلم‌ها به بچه‌های ما می‌دهند، مثل درس قرآن و دینی مشارکت کنیم. ما معمولاً وقتی از درس بچه‌هایمان می‌خواهیم بپرسیم، می‌گوییم: مریم جان، حسن آقا، درس ریاضی یا زبان را بیاور من بپرسم. روی ریاضی و زبان و فیزیک و امثال آن چقدر حساس هستیم، روی معارف و احکام دین چطور؟

پس بیاییم یا خودمان مشارکت کنیم یا مطمئن شویم بچه‌ها در کلاس‌هایی این تعلیمات را یاد گرفته‌اند و روز قیامت در پیشگاه خدا، پیامبر و ائمه رو سفید هستیم. خوشبختانه درباره‌ی احکام روش‌های امروزی، نوین و تصویری، محصولات فرهنگی به بازار آمده است. برادر عزیزم، جناب آقای فلاح زاده آموزش تصویری احکام، کتاب و سی‌دی‌هایی دارند و نرم افزارهایی در بازار وجود دارد، یک کاری کنیم وقتی بچه‌های ما به تکلیف رسیدند، احکام و فرائض و واجبات را بلد باشند.

۳۰- عبرت از بنی اسرائیل

نیمی از قرآن کتاب آسمانی ما مسلمانان، تاریخ گذشته است. یعنی خدای مهربان با بیان تجربه‌های گذشته‌ها، شیرینی‌ها، تلخی‌ها، شکست‌ها، پیروزی‌ها و تصمیمات درست را به ما یاد می‌دهند و به ما می‌فرماید: این تاریخ را برایت گفتم. «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ»؛ ای صاحبان بینایی و آگاهی عبرت بگیرید.

بیشترین قومی که قصه‌شان در قرآن آمده، بنی اسرائیل است و حدود هشتصد آیه از قرآن در مورد این امت است. آنان مردمانی بودند که با فرعون و فرعونیان مبارزه کردند و آنها را شکست دادند و به رهبری حضرت موسی یک حکومت دینی تأسیس کردند. از جانب خداوند به موسی بن عمران و برادرش هارون دستور داده شد که به مردم بگویند خانه‌هایشان را جهت دار و به سمت قبله بسازند و نماز را به پای دارند و نماز فراموش نشود. «وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ». ^۲ انقلاب، انقلاب دینی است. انقلاب دینی، اصل اولش رابطه با خداوند و نماز است. چنانکه در آیه دیگر می‌خوانیم: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ»؛ ^۳ کسانی که وقتی به قدرت می‌رسند، اولین انرژی خود را روی برپایی نماز می‌گذارند. مدتی بعد خداوند موسی بن عمران را فرمان داد تا به کوه طور برود و الواح تورات و فرمان‌های خدا را دریافت و به مردم منتقل کند. یکی از آن فرمان‌ها، اقامه نماز بود. (سوره بقره آیه ۸۳)

۱. حشر، ۲.

۲. یونس، ۸۷.

۳. حج، ۴۱.

جامعه‌ی بنی اسرائیل ادامه پیدا کرد، ۲۰ سال، ۳۰ سال، ۴۰ سال گذشت. قرآن کریم این را در سوره مریم، چنین بیان فرموده است: «**مَخْلَفٌ مِّنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا**»؛ بعد از نسل‌های اول انقلاب، نسل‌های دوم و سوم و چهارم آمدند، نماز را خراب کردند و به دنبال هوسرانی و شهوت‌ها رفتند. به زودی مجازات گمراهی خود را خواهند دید.

قصه‌ی بنی اسرائیل که تمام شده است، این یک هشدار برای ما می‌باشد. تا خداپرستی و نماز را به نسل‌های بعد منتقل کنیم امام حسین علیه السلام هنگام حرکت به سمت کربلا، از جمله آیاتی که خواند، همین آیه بود. حدود پنجاه سال از رحلت پیغمبر گذشته، نماز خراب شده و مسلمانان به دنبال شهوترانی و هوسرانی و بی‌تفاوتی رفته‌اند.

باید کاری کنیم که اسلام، این امانتی که به ما سپرده شده را به نسل‌های بعد بسپاریم. در مسجدهای ما از همه سنین باید حضور داشته باشند. ده و بیست ساله، بیست و سی ساله، چهل و پنجاه ساله، شصت و هفتاد ساله، خانم و آقا، از همه اصناف و همه‌ی اقشار، این مأموریت ما است. نکند نسل‌های بعدی ببینند ولی در بین آنها نماز خواندن رونق نداشته باشد. یکی از یاران پیغمبر به نام ابن مسعود است. پیغمبر او را بسیار دوست داشت، گاهی وقت‌ها ساعت‌ها تنهایی می‌نشست و با او حرف می‌زد. مجموعه پنندهای پیامبر به ابن مسعود به صورت کتابی چاپ و به فارسی ترجمه شده است. یک جمله‌اش این است که به ابن مسعود

می‌فرماید: بعد از من گروه‌هایی می‌آیند که بهترین غذاهای رنگارنگ را می‌خورند، خودشان را آرایش می‌کنند مانند آرایش زن برای شوهر، اما «تَارِكُونَ الْجَمَاعَاتِ» آنها از اجتماعات فاصله می‌گیرند، در مسجد و نمازجماعت و نمازجمعه، شرکت نمی‌کنند. مخصوصاً در بین نمازها به نماز مغرب و عشا بی‌اعتنایی نشان می‌دهند. عبادت نمی‌کنند و حتی به فکر آن هم نیستند که شاید نماز به گردن آنها تعهدی ایجاد کرده باشد. شب‌ها دیر می‌خوابند و صبح‌ها در خوابند.^۱

این پیشگویی پیغمبر است. الآن شرایط اجتماعی ما چگونه است؟ شب‌ها دیر می‌خوابند و صبح‌ها در خواب هستند و نمازشان قضا می‌شود. ما باید مراقبت کنیم و از بنی اسرائیل عبرت بگیریم. که فرمود: «مَخْلَفٌ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلَفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ» نسل‌هایی پس از نسل‌های اول انقلاب آمدند و نماز را تباه کردند و دنبال شهوترانی و هوس بازی رفتند. درنگ کنیم و از این هشدار الهام بگیریم.

۳۱- احترام به شخصیت نوجوان

سلام و رحمت خدا بر شهید بزرگوار، مطهری که می‌گوید: به نظر من موفق‌ترین انسان تاریخ، حضرت محمد ۹ است. او کسی بود که بدون تکیه بر قدرت‌های جهانی و بدون داشتن مال، فقط به خاطر داشتن آئینی فطری و عقلانی و به خاطر داشتن اخلاقی نیک، توانست در کم‌تر از پنجاه سال نیمی از مردم دنیا را به آئین خود متوجه کند.

یکی از شاهکارهای اخلاقی پیامبر اکرم ﷺ احترام به شخصیت

انسان هاست، به خصوص سه گروه: نوجوانان، بانوان و فقیران. آن حضرت با این کار توانست لشگری بزرگ برای خود فراهم کند. پیامبر اکرم ﷺ به شدت به بچه‌ها و نوجوانان احترام می‌گزارد، تا جایی که فرمودند: «**حَسُّ لَا أَدْعُهُنَّ حَتَّى الْأَمَمَاتِ لِتَكُونَ سُنَّةً مِنْ بَعْدِي**» پنج کار هست تا بمیرم آن را ترک نخواهم کرد تا بعد از من میان مردم سنت و رسم شود. یکی از آنها: «**وَالتَّسْلِيمُ عَلَى الصَّبِيَّانِ**»^۱ سلام کردن به کودکان و نوجوانان است.

مُصْعَب اولین مبلغی که آن حضرت از مکه به مدینه فرستاد، بعد که به مدینه تشریف آوردند، از او گزارش خواست که آیا در تبلیغ دین موفق بوده‌ای؟ مصعب گفت: الحمدلله، حضرت پرسید: با چه شیوه‌ای کار کردی؟ گفت: ابتدا به سراغ نوجوانان رفتم و به آنها سلام کردم و احترام گذاشتم.

روزی پیامبر ﷺ از خانه به سمت مسجد می‌رفتند که در کوچه بچه‌هایی را مشغول بازی دیدند. بچه‌ها این را دیده و شنیده بودند که پیغمبر نوه‌های خودش، امام حسن و امام حسین، را روی دوش خود سوار می‌کند. از پیغمبر خواستند که آنها را نیز سوار کند. پیامبر رحمت شروع کرد به دوش گرفتن تک تک بچه‌ها و آنها را از این قسمت کوچه به قسمت دیگر آن می‌برد. نمازگزاران مسجد که منتظر رسول خدا ﷺ بودند، بلال حبشی را به دنبال آن حضرت فرستادند تا ببینند چه شده امروز پیامبر دیر کرده است؟ وقتی بلال به آنجا رسید و دید بچه‌ها بر دوش پیغمبر سوار می‌شوند، خواست با تندی بچه‌ها را دور کند. اما آن

حضرت او را نهی کرد و به بلال فرمود: به خانه من برو بین خوردنی برای بچه‌ها هست؟ بلال به خانه پیامبر رفت و تعدادی خرما یا گردو با خود آورد. پیغمبر به بلال فرمود: رنجاندن بچه‌ها برای من سخت‌تر است از تأخیر نماز جماعت. با اینکه پیغمبر درباره‌ی نماز اول وقت خیلی توصیه می‌کرد، اما حضرت می‌داند که این بچه‌های کوچک و مردم در آینده‌ها، در خاطرشان می‌ماند که چقدر پیغمبر برای کودکان ارزش قائل است.

کودکان و نوجوانانی که وارد جماعت و مسجد می‌شوند، باید به آنها تعظیم کنیم، احترام و محبت کنیم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «**أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ**»^۱ به فرزندانان احترام بگذارید و در سایه‌ی این تکریم و احترام، تربیت خوبی انجام دهید. بنابراین گام اول، شخصیت دادن و احترام گذاشتن و گام دوم، تربیت خوب است و اولی زمینه برای دومی است.

جابر بن عبدالله انصاری این قصه‌ی شیرین را تعریف کرده که من که نوجوانی در مسجد بودم، هنگامی که نماز تمام شد، شخص پیغمبر بعد از نماز یک طبق شیرینی آورد تا بین نمازگزاران تقسیم کند. جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید، تا نوبت به من رسید، یک شیرینی برداشتم. پیغمبر از من گذر نکرد و پرسید: کافی است؟ گفتم: باز هم می‌خواهم و به من بیش از دیگران شیرینی داد. الآن در مساجد ما کم چنین چیزی را می‌بینیم که خود امام جماعت این کار را انجام دهد.

این سیره نشان می‌دهد ما برای نوجوان‌هایی که در جماعات و دعاها و هیأت‌ها حضور دارند، باید یک خط ویژه برویم.

۳۲- به نماز پناه ببریم

انسان قوی‌ترین مخلوق خداوند است. خداوند جهان را برای انسان و در استخدام انسان قرار داده است. چنانکه قرآن بارها بیان کرده: ما هستی را برای شما و مستخر شما قرار دادیم: «**خَلَقَ لَكُمْ سَخِرَ لَكُمْ**». اما همین انسان آسیب‌پذیر هم هست و چه بسا ضعف‌ها و حوادث او را می‌یوس کند. خداوند دو پشتوانه برای انسان قرار داده تا در مشکلات، بحران‌ها، نداری‌ها، سختی‌ها و بیماری‌ها ایستادگی کند؛

پشتوانه‌ی اول، صبر که در نهاد همه ما هست. انسان توانایی دارد در مقابل امواج بلا بایستد. باید خود را باور کند، به خود اعتماد کند.

پشتوانه دوم، نماز است. در سوره مبارکه بقره دو بار این آیه آمده است: «**وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ**»؛ ای مسلمانان، کم نیاورید، کمک بگیرید از توانایی‌هایی که خدا در وجود شما قرار داده و کمک بگیرید از نماز. از توانایی و قدرت بی‌انتهای پروردگار که کمک بگیرید: «**انه على كل شيء قدير**»^۱ این باید سبک زندگی ما باشد.

در حدیث می‌خوانیم که پیامبر عزیز ما در خانه هر وقت با مشکلی روبرو می‌شد، به اعضای خانواده می‌فرمود: وضو بگیرید، نماز بخوانیم و از نماز برای مشکلمان کمک بگیریم. «**أَمَرَهُمْ بِالصَّلَاةِ**» دستور می‌داد اهل خانه و

۱. بقره، ۴۵ و ۱۵۳.

۲. حج، ۶.

اعضای خانه نماز بخوانند. و آنگاه این آیه می‌خواندند: «**وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ**». الآن در خانواده‌های ما این گونه نیست. دختر، پسر آزمونی داده و در امتحانی شرکت کرده یا می‌خواهد در امتحانی شرکت بکند، دلهره و استرس دارد. می‌گوید: پدر جان چه کنم؟ خیلی کم اتفاق می‌افتد به او بگوییم: عزیزم، وضو بگیر و نماز بخوان. این باید در سبک زندگی ما قرار بگیرد. در بیمارستان‌ها، در کنار اتاق عمل، باید این شعار نوشته شود: «**وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ**». من چند بار شده بچه‌هایم در بیمارستان در اتاق عمل بودند. سه چهار ساعت قدم می‌زنم تا جوابی از اتاق عمل بیاید. آنجا وقت استمداد از نماز است. در دادگاه‌ها و جاهای حادثه خیز باید این مقابل چشم ما باشد که از نماز کمک بگیرید. رهبر عزیز انقلاب در یکی از پیام‌هایی که به اجلاس نماز (۱۳۷۰) دادند فرمودند: انسان همیشه به نماز محتاج است و در عرصه‌های خطر، محتاج‌تر.

زمانی که مسأله سختی برای پیغمبر و خانواده‌اش پیش می‌آمد، آن حضرت به آنها می‌فرمود: «**فُؤِمُوا إِلَى الصَّلَاةِ**؛ بلند شوید نماز بخوانید. و ادامه می‌دادند: «**بِهَذَا أَمْرِي**» خدا این گونه به ما فرمان داده است. «**وَأَمْرٌ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا**»^۱.

امام صادق ع فرمود: مردی از پدرم امام باقر ع پرسید: «**أَحَدُ أَهْلِي؟**» به نظر شما ای فرزند رسول خدا من باید با خانواده‌ام صحبت کنم؟ «**قَالَ نَعَمْ**» فرمود: بله، این صحبت زن و شوهری برای تربیت بچه‌ها خیلی مهم است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ**

أَهْلِيكُمْ نَارًا؛ شما مسئولیت دارید که خانواده و اعضای خانواده خود را از آتش جهنم دور کنید. همچنین می‌فرماید: **«وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ»** خانواده‌ات را به نماز سفارش کن.^۱

بچه‌های ما باید به گونه‌ای بزرگ شوند که اگر به دانشگاه رفتند، یا به شهر و استان دیگر یا کشور دیگری رفتند، هنگامی که با مشکلی مواجه شدند، از نماز کمک بگیرند. نماز را پشتوانه خود در زندگی بدانند. بگویند: من در خانه یاد گرفتم، پدر بزرگم، پدرم، مادرم و مادر بزرگم، همیشه تا به مشکل می‌رسیدیم می‌گفتند: وضو بگیر و نماز بخوان و از خدا کمک بخواه.

رحمت خدا به روح عالم و دانشمند بزرگ بوعلی سینا، او گفته حتی در مسائل علمی هر وقت به نتیجه نمی‌رسم و یک مجهولی را نمی‌توانم کشف کنم، وضو می‌گیرم و نماز می‌خوانم. **«وَكَانَ إِذَا اشْكَتَ عَلَيْهِ مَسْأَلَةٌ تَوَضَّأَ وَقَصَدَ الْمَسْجِدَ الْجَامِعَ وَدَعَا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَسْهَلَهَا وَيَفْتَحَ مَغْلَقَهَا لَهُ»**.^۲

امام صادق علیه السلام به یکی از اصحابش به نام مَسْمَع فرمود: چرا شما اینطور نیستید که وقتی یک غمی از غم‌های دنیا به دلتان نشسته، یک ماجرا و حادثه‌ای پیش آمده، ورشکستگی پیش آمده، مریضی پیش آمده، چرا این کار را نمی‌کنید، وضو بگیرید، دو رکعت نماز بخوانید و از خدا استمداد بطلبید. **«مَا يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ إِذَا دَخَلَ عَلَيْهِ غَمٌّ مِنْ غَمُومِ الدُّنْيَا أَنْ يَتَوَضَّأَ ثُمَّ يَدْخُلَ مَسْجِدَهُ وَيَرْكَعُ رَكَعَتَيْنِ فَيَدْعُو اللَّهَ فِيهِمَا»** و ادامه دادند آیا این آیه را نشنیده‌ای: **«وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»**.^۳

۱. حج، ۶.

۲. سیمای فرزندگان، ص ۱۷۱.

۳. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۴۲.

۳۳_ پاسخ به سه سؤال درباره کودکان

در این بخش می‌خواهیم به سؤالاتی که اغلب در خانواده‌ها درباره تکلیف بچه‌ها مطرح می‌شود، پاسخ دهیم.

سؤال اول: آیا عبادت بچه‌ها ثواب دارد؟ نماز می‌خوانند، روزه می‌گیرند، صدقه می‌دهند، زیارت می‌کنند، هیأت می‌روند، چه بسا به زیارت خانه خدا بروند. چون اولین صفحه پرونده ما روزی است که به تکلیف می‌رسیم. این پسر بچه تازه به تکلیف رسیده است، کارهایی که در دوازده سالگی، ده سالگی، هشت سالگی و شش سالگی کرده، چه می‌شود؟ آیا پذیرفته و ثواب داده می‌شود؟

پاسخ: با توجه به احادیث: بله ثواب دارد. منتهی ثوابش در چند پرونده نوشته می‌شود، پرونده خود بچه‌ها قبل از صفحه یک، یک مقدمه‌ای در آن کتاب نوشته می‌شود. کارهایی که بچه‌ها قبل از به تکلیف رسیدن انجام داده‌اند و حتماً ثواب دارد. علاوه بر آن در پرونده پدر و مادر و در پرونده‌ی معلم و مربی هم این پاداش نوشته می‌شود. حتماً عبادت‌های بچه‌ها ثواب دارد، شک نکنید.

سؤال دوم: خسارت‌هایی که بچه‌ها وارد می‌کنند، ضمانت دارد؟ چون بچه در ذهن خودش می‌گوید: من که به تکلیف نرسیده‌ام. پارچ آب همسایه را شکسته و کسی مطلع نشده، یا توپ را شوت کرده و شیشه مردم شکسته است. یک چیزی را از جایی برداشته است. خسارت‌هایی که بچه‌ها در دوران بچگی به دیگران می‌زنند، ضامن هستند؟

پاسخ: بله ضمانت دارد و آنها ضامن هستند. طولانی‌ترین آیه قرآن که

اواخر سوره بقره آمده، آیه دین و مسائل حقوقی است. خیلی مهم است. منتهی پدر و مادر بچه وقتی مطلع می‌شوند، چه بسا حلالیت می‌طلبند یا جبران می‌کنند. اگر سیلی زده، دیه می‌دهند. خسارتی وارد کرده، خسارت می‌دهند. اگر پدر و مادر مطلع نشدند یا مطلع شدند و بی تفاوت بودند، این به گردن بچه است. از روزی که به تکلیف می‌رسد این بدهکاری در حسابش هست تا پایان عمر. مثلاً بنده شصت و خرده‌ای سال دارم، یادم هست هشت ساله بودم از جایی رد می‌شدم، یک چیز خوردنی برداشتم. الآن در حافظه‌ام هست که باید بروم مغازه را پیدا کنم، وارث‌ها را پیدا کنم، اگر دسترسی ندارم، قواعد و قوانینی دارد، باید به دفتر مرجع تقلید مراجعه کنم. خسارت‌هایی که بچه‌ها وارد می‌کنند، ضمانت دارد. اول به عهده پدر و مادر است. اگر آنها ندادند، خود بچه‌ها ضامن هستند تا پایان عمر.

سؤال سوم: جرم‌هایی که بچه‌ها مرتکب می‌شوند که اگر بزرگترها مرتکب شوند در دادگاه برای آنها کیفر تعریف شده است، مثل فحش و دشنام دادن، ما در قرآن داریم بعضی دشنام‌ها هشتاد ضربه شلاق دارد. یک نسبت ناروایی به کسی می‌دهد. جرمی را مرتکب می‌شود که حدّ دارد. آیا اینها چون بچه هستند، کیفری دارند؟

پاسخ: بله کیفر دارند، منتهی این را قاضی باید بگوید چه اندازه برای این مورد و تنبیه‌اش کافی است. ممکن است بگوید: پنج ضربه شلاق یا کیفر دیگری را قاضی بر اساس مصلحت، که این بچه بار اولش است، بار چندمش است، شدت آن جرم و گناه چقدر بوده است.

بنابراین، عبادت‌های بچه‌ها، ثواب دارد. خسارت‌های بچه‌ها ضمانت دارد. جرم‌هایی که بچه‌ها مرتکب می‌شوند، کیفر دارد.

۳۴- ستایش پدری دلسوز

از چیزهایی که در تربیت نیاز داریم، معرفی الگو است. الگوها به ما امید می‌دهند. الگوها راه‌های بسته را باز می‌کنند. خدای مهربان در قرآن کریم بارها الگوهایی را معرفی فرموده است، الگوهایی مانند حضرت ابراهیم علیه السلام: «**وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِبْرَاهِيمَ**» ای رسول ما! ابراهیم را یاد کن. او می‌تواند به شما راه نشان بدهد و به شما امید بدهد. یا حضرت اسماعیل: «**وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِسْمَاعِيلَ**» اسماعیل را یاد کن. یا الگوهایی مانند حضرت موسی و هارون: «**وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَى وَ هَارُونَ**»؛ آن دو پیامبر انقلابی، مقاوم که انقلاب را به پیروزی رساندند و فرعونیان را متلاشی کردند. موسی و هارون را یاد کن. یا حضرت مریم: «**وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ**»؛ ای پیامبر، مریم آن دختر پارسا را یاد کن.

یکی از این الگوهای قرآنی، حضرت اسماعیل علیه السلام است، ما بیشتر درباره‌ی نوجوانی‌اش قصه شنیدیم، اما در سوره‌ی مبارکه مریم آیات ۵۴ و ۵۵، درباره‌ی شیوه پدری حضرت اسماعیل قصه را نقل می‌کند و می‌فرماید: «**وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِسْمَاعِيلَ اِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ كَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا**»؛ سرگذشت اسماعیل، قهرمان توحید و تسلیم را نگاه کن که او صادق الوعد و وفادار به قول و قرارش بود و پیامبری از پیامبران الهی بود. همه پیامبران

۱. مریم، ۱۶.

۲. مریم، ۵۴.

صادق الوعد بودند، وعده می دادند به وعده شان عمل می کردند، اما این پدر را خدا به صورت ویژه بر روی این صفت او دست گذاشته که خیلی خوش قول بوده است.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: پدر و مادرها به بچه هایتان قول می دهید، وفا کنید. «**احبوا الصبيان و ارحمهم و اذا وعدتموهم شيئا ففوا لهم**»^۱. بی وفایی اگر در حافظه بچه بماند، به شما بی اعتماد می شود.

حضرت اسماعیل، به وعده هایش عمل می کرد و فرستاده خدا و موظف بود اخباری که از طرف خدا دریافت می کند را به امتش منتقل کند.

و ادامه می دهد: «**وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ كَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا**»^۲ در ادبیات عرب می گویند: فعل مضارع نشانه استمرار و مداومت است. علاوه بر این وقتی با «**كان**» همراه شود، نشانه استمرار است. اسماعیل پیوسته اهل خانه خود را به نماز و زکات سفارش می کرد. به همین خاطر در پیشگاه پروردگارش مورد پسند بود.

در قرآن آیاتی داریم که درباره بعضی می فرماید: «**رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ**»^۳ خدا از آنها راضی است و آنها از خدا راضی هستند. یکی همین خانواده هایی هستند که پیوسته بچه هایشان را به نماز توصیه می کنند، با پند و اندرز، با نصیحت، با دلیل و مهر و قهر، و این موضوع مهم را به راحتی رها نمی کنند. چنانکه سبک زندگی حضرت اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَامُ چنین بود. «**وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ**». پیوسته سفارش می کرد.

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۹.

۲. مریم، ۵۵.

۳. مائده، ۱۱۹.

ما به غذای بچه‌هایمان حساس هستیم و همیشه پرس و جو می‌کنیم، حتی وقتی ازدواج می‌کنند، مادر زنگ می‌زند عزیزم غذا دارید بخورید؟ گوشت در خانه دارید؟ نسبت به پوشاک بچه‌ها حساس هستیم که آبرو داشته باشند، در کوچه و خیابان و مهمانی مایه آبروی پدر و مادر باشند. نسبت به کیف و کفش و مدرسه آنها حساس هستیم. اما نسبت به نمازشان چگونه هستیم؟! این نماز را باید در رده اول بیاوریم.

پدری مثل حضرت اسماعیل پیوسته نسبت به نماز خانواده خود حساس بود و به همین دلیل نزد خدا مورد پسند واقع شد. «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا». از این آیه می‌فهمیم که امر به معروف را از نزدیکیان خود شروع کنیم. امر به نماز که مصداق بلند معروف است، از خانواده خود شروع کنیم. در امر به معروف استمرار و مداومت داشته باشیم. سفارش به زکات در کنار سفارش به نماز باید به بچه‌ها گفته شود. فقط نماز نه، عزیزم، همسرم، فرزندم، غیر از نماز زکات هم در دین ما و در همه ادیان بوده است. توجه به فقرا وقتی با نماز کنار هم دیده می‌شود، بسیار قشنگ است.

۳۵- پایداری بر سفارش به نماز

دو تا از واجبات و فروع دین ما، امر به معروف و نهی از منکر است. طبق فرموده امیرمؤمنان علی علیه السلام، این دو ضامن اجرای بقیه‌ی احکام دین هستند. در نهج البلاغه آمده که همه دین مثل یک قطره است که از منقار یک پرنده‌ای در دریا بریزد و امر به معروف مثل دریاست. «ما اعمال البر كلها والجهاد في سبيل الله، عند الامر بالمعروف والنهي عن المنكر، الا كمنفة

فی مجرلی»^۱.

امر به معروف و نهی از منکر نشانه‌ی اهتمام ما به مکتب و نشانه‌ی عشق ما به مردم و نشانه‌ی اهمیت ما به ارزش‌هاست. البته باید ابتدا معروف‌ها و منکرها و حلال و حرام‌ها را بشناسیم، چنانکه در حدیث می‌خوانیم: «صَاحِبُ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ يَحْتَاجُ إِلَى أَنْ يَكُونَ عَالِمًا بِالْحَلَالِ وَالْحَرَامِ»^۲ کسی که امر به معروف می‌کند نیاز دارد که آگاه به حلال و حرام باشد مثل دانشجویی که در دانشگاه قبول شده و قبل از ترم اول می‌گویند: شما در بعضی درس‌ها ضعیف هستید یا پیش‌نیازهایی را باید بگذرانید. مثلاً در زبان انگلیسی ضعیف هستید. تست‌هایی که زدید تعدادش کم است، فعلاً برو چند واحد زبان انگلیسی بخوان، پیش‌نیاز است. پیش‌نیاز امر به معروف و نهی از منکر این است که باید این دانش و مهارت را یاد بگیریم تا بتوانیم اجرا کنیم. به فرموده امام صادق ع یکی از پیش‌نیازها این است که معروف را بشناسد، این که چه چیزی معروف و چه چیزی منکر است؟

یکی دیگر از پیش‌نیازها این است که صبر داشته باشد. اینطور نیست که آدم‌ها تا یک چیزی را گفتیم بپذیرند و پسندند، حوصله لازم دارد.

ما می‌خواهیم به بچه‌مان بگوییم: عزیزم، تمیز باش، مرتب باش، درس خوان باش، ورزش کن، هریک از اینها با یکی دو سه بار گفتن حل نمی‌شود. استمرار در امر به معروف و نهی از منکر نتیجه می‌دهد. چرا خداوند در قرآن بعضی مطالب را تکرار کرده است؟ مثلاً سی و چند بار در سوره‌ی الرحمن می‌خوانیم: «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ»؛ کدام یک از

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴.

۲. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۸۳.

نعمت‌های الهی را تکذیب می‌کنید؟!

باید صبر و استقامت کنیم، در خیابان ری تهران با سرعت دنبال کاری می‌رفتم. مادری آمد جلوی مرا گرفت. دیدم خیلی پریشان است. گفتم: چه شده است؟ من عجله دارم می‌خواهم بروم. گفت: بچه من در این بیمارستان بستری است و دکترها جوابش کرده‌اند، امکان دارد شما بیایید زیارت عاشورا برایش بخوانید. دیدم این مادر جان بچه‌اش، سلامتی بچه‌اش برایش مهم است. همه درها را زده و همچنان امید دارد. گاهی پدرها و مادرها می‌پرسند: ما چه کار کنیم این بچه ما نماز نمی‌خواند، هرچه می‌گوییم نماز بخوان، نمی‌خواند؟! من از آنها می‌پرسم: بچه شما مریض می‌شود چه می‌کنید؟ دکتر می‌بریم. خوب نشد چه می‌کنید؟ دوباره دکتر، خوب نشد، دکتر را عوض می‌کنیم. خوب نشد، سراغ متخصص می‌رویم، خوب نشد، به مرکز استان، خوب نشد، به دنبال این می‌گردیم که خانه را بفروشیم و به کشور دیگری برویم تا بتوانیم او را درمان کنیم. گفتم: برای نماز بچه‌ها هم باید اینطور باشیم؛ اگر خودم گفتم اثر نکرد، یک نفر دیگر بگوید. این کتاب اثر نکرد، یک کتاب دیگر. فردی گفتیم اثر نکرد، جمعی بگوییم. این سلامت بچه ما، سعادت بچه ما و سرنوشت بچه ما می‌باشد.

خداوند به پیامبر اکرم ﷺ خطاب می‌کند: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا»؛ ای پیامبر! خانواده‌ات را به نماز سفارش کن و بر آن پایداری کن. امام باقر علیه السلام جمله «وَأَصْطَبِرْ عَلَيْهَا» را دو جور معنا کرده‌اند: یکی این

که: ای پیامبر خودت بر نماز شکبیا باش. یک معنای دیگر، بر همین توصیه‌ی خانواده به نماز شکیبایی بورز.

مسأله‌ی سفارش به نماز را یکی دو سه بار نه، در حدیث داریم، شیعه و سنی نقل کردند، تا شش ماه بعد از نزول این آیه، بعضی نوشتند تا نه ماه، هر روز پیامبر درب خانه دختر و دامادش را می‌زد و سلام می‌کرد و رحمت خدا را برای آنها می‌خواست و بعد می‌فرمود: رحمت خدا بر شما باد. نماز، نماز! این نشان می‌دهد ما باید یک پیگیری پیوسته برای نماز بچه‌هایمان داشته باشیم و زود مایوس نشویم.

حاج آقای قرائتی در کتاب شیوه‌های دعوت به نماز، بیش از چهل شیوه برای دعوت به نماز ذکر کرده‌اند، برای نماز فرزندانمان، دغدغه داشته باشیم.

۳۶- همسر کاهل نماز

گاهی همسران علیرغم اینکه وقت ازدواج یا قبل از ازدواج، با همدیگر صحبت کردند یا غافل شدند درباره مسائل دینی و نماز با هم صحبت کنند و یا شرط و شروط گذاشتند که من مذهبی و اهل نماز هستم. با این حال الآن با مشکل کاهل نمازی همسریا متأسفانه گاهی بی نمازی همسر روبرو هستند. یک اصل کلی را باید بدانیم که همه ما مسئول هستیم رسول خدا ﷺ: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ فَالْإِمَامُ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى بَيْتِ زَوْجِهَا وَعَلَى وُلْدِهِ فَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»^۱، همه شما نسبت به آنچه عهده‌دار شده‌اید مسئول هستید،

زامدار و امام مسئول ملت، مرد مسئول خانواده، زن مسئول امور منزل و فرزندان است. پس هر کس نسبت به انجام وظایف و حقوقی که به او واگذار شده مسئول است.

در این زمینه نکاتی را که کارشناسان توصیه می‌کنند را عرض می‌کنم.

۱- بدانیم نظام خانواده با اهمیت و بسیار مهم است. نگه داشت بنای خانواده، خود معروفی بزرگ است، نباید مسأله‌ی نماز به مشاجره تبدیل شود و کدورت بین زن و شوهر را تشدید کند. نباید این موضوع دلیل و عامل بهم خوردن زندگی و طلاق شود. حفظ نظام زندگی یک معروف مهم است.

۲- بدانیم بی‌نمازی هریک از زن و شوهر در نسل اثر گذار است. پیگیری مسأله مهم است. پدر یا مادر وقتی بی‌نماز باشند، بچه‌ها هم از آنها می‌آموزند.

۳- در چنین شرایطی اولین وظیفه، امر به معروف و نهی از منکر است. خیلی از خانم‌ها و آقایان از دفاتر مراجع تقلید پرسیدند: همسر من نماز نمی‌خواند یا کاهل نماز است، چه کنم؟ می‌فرمایند: شما وظیفه‌ای جز امر به معروف و نهی از منکر ندارید. امر به معروف با شرایطش، که به وقت حرف بزنیم، خوب و تأثیرگذار حرف بزنیم. شرایطش را در رساله بخوانیم و طبق روال رساله حرکت کنیم.

۴- افشاگری، بی‌احترامی، سرزنش و رسوا کردن همسر به خصوص در حضور فرزندان ممنوع است. نباید زن و شوهر همدیگر را مخصوصاً روبروی بچه‌ها تحقیر کنند.

۵- بهترین امر به معروف این است که خودمان نماز عاشقانه بخوانیم.

شک نکنیم که دیگران تحت تأثیر قرار می‌گیرد. خودمان نماز با اخلاص و عشق و آگاهی بخوانیم، تأثیر گذار است.

۶- همسری که نماز نمی‌خواند، نباید این را دخالت حساب کند و بگوید: به تو چه مربوط است، نمی‌خواهم نماز بخوانم! شما چرا به خودت اجازه می‌دهی به من امر و نهی کنی؟! باید بداند خدایی که ما را آفریده، این اختیار را به هر یک از ما داده و این مسئولیت را از ما خواسته است: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»^۱ مردان و زنان مؤمن بر هم ولایت دارند، اختیار دارند یکدیگر را امر به معروف و نهی از منکر کنند.

۷- خوب است ریشه‌یابی کنیم چرا همسر نماز نمی‌خواند؟ از نمازخوان‌ها بدی دیده، تنبلی می‌کند، دوست بی‌نماز دارد، شکستی در زندگی خورده، اطلاعات ندارد، فلسفه نماز را نمی‌داند، فایده نماز را نمی‌داند. نماز نخواندن افراد دوازده سبب دارد. مثلاً من سردرد دارم، به دکتر مراجعه می‌کنم. سردرد انواع مختلفی (۳۵ نوع) دارد. دکتر با پرسش‌هایی که از من دارد، سعی می‌کند نوع سردرد من را کشف کند، مثلاً آیا این سردرد به خاطر چشمان من است، یا به خاطر دندان درد است، به خاطر گوارش است، یا به علت ضربه بر سر است، به خاطر سینوزیت است، یا اعصاب. آن وقت پس از تشخیص، داروی مناسب می‌دهد.

۸- با افراد و خانواده‌های نمازخوان رفت و آمد کند. مطمئن باشیم معاشرت ما تأثیر دارد. امام کاظم علیه السلام فرمود: سعی کنید وقت خود را به

چهار قسمت تقسیم کنید؛ ساعتی برای مناجات خدا و ساعتی برای کار و امرار معاش، ساعتی برای لذات و تفریحات حلال و ساعتی برای معاشرت با افراد مطمئن تا عیوب شما را گوشزد کنند: «وَسَاعَةً لِمُعَاشِرَةِ الْإِخْوَانِ وَالْحَقَّاتِ الَّذِينَ يُعْرِفُونَكُمْ عُيُوبَكُمْ»^۱. خداوند فرموده است: «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ»^۲، تذکر بده که وظیفه تو - که پیامبر خدا - تنها همین تذکر دادن است، «وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ»^۳. یادآوری کن و پند ده و آن را پی گیر باش، چرا که تذکر و اندرز برای مؤمنان سودمند است.

۹- برایش دعا کنیم. از همسرمان چه کسی عزیزتر است؟ برای نماز همسرمان در پیشگاه خدا تضرع کنیم، توسل به اهل بیت کنیم و برایش دعا کنیم. بدانیم که سرنوشت ما و نسل ما به هم گره خورده است.

۱۰- دلگرمش کنیم، تشویقش کنیم. فقط توبیخ نه، تشر و تهدید نه، بلکه محبت کنیم. با عشق بازی زن و شوهری این موضوع را به میدان خانواده بیاوریم.

۱۱- اگر مایوس شدیم، هرچه تلاش کردیم فایده نداشت، به نماز خود و بچه‌ها اهتمام بیشتری داشته باشیم.

۳۷- رسالت ما درباره نماز والدین

در مباحث خانواده، نماز پدر و مادرهای ما چه می‌شود؟ پدر و مادرهایی که رنج بسیار کشیدند و ما را تربیت کردند. بخشی از موفقیت‌هایی که ما داریم، حاصل زحمات آنهاست. این همه دعا در قرآن برای پدر و مادر

۱. تحف العقول.

۲. غاشیه، ۲۱.

۳. ذاریات، ۵۵.

حکمتی دارد. ممکن است پدر و مادر در جایی کوتاهی کرده باشند و از روی نافرمانی خدا هم نبوده و نمازهایی از آنها قضا شده و از دنیا رفته‌اند، وظیفه ما چیست؟

اسلام عزیز برای ما مسئولیت تعریف کرده است. برای نماز قضای پدر و مادر باید به مرجعی مراجعه کنید که از او تقلید می‌کنید. بعضی از مراجع می‌فرمایند: هم پدر، هم مادر، هم نماز، هم روزه و عبادات دیگر که از آنها قضا شده بر عهده پسر بزرگتر است. احکامی دارد باید مراجعه کنید.

ما مسئولیت داریم، رسالت داریم. پدر و مادرهای ما تمام هستی خود را برای رشد و سلامت ما گذاشتند. الآن نسبت به آنان ادای دین کنیم.

شخصی از امام صادق ع پرسید: نسبت به والدین خود که از دنیا رفته‌اند آیا مسئولیتی داریم؟ امام فرمود: چه چیز مانع شده که یکی از شما برای والدین خود نیکی نمی‌کند؟ آنگاه حضرت مصادیق نیکی را ذکر فرمودند؛ نمازی برای او بخواند، از طرف او صدقه بدهد، روزه‌ای برای او بگیرد و حجی برای او به جا آورد. اگر چنین کند، مثل همان ثوابی که برای پدر و مادر در پرونده‌شان نوشته می‌شود، یک نسخه هم برای فرزندی که نماز خوانده نوشته می‌شود. «مَا يَمْنَعُ الرَّجُلَ مِنْكُمْ أَنْ يَبْرَّ وَالِدَيْهِ حَيِّينَ وَمَيِّتَيْنِ يُصَلِّيَ عَنْهُمَا وَيَتَصَدَّقَ عَنْهُمَا وَيُحْجَّ عَنْهُمَا وَيُصُومَ عَنْهُمَا فَيَكُونَ الَّذِي صَنَعَ لَهُمَا وَلَهُ مِثْلُ ذَلِكَ فَيَرِيذُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِبِرِّهِ وَصَلَاتِهِ خَيْرًا كَثِيرًا»^۱.

فقه‌های ما می‌فرمایند: پسر بزرگتر موظف است نمازها و روزه‌های قضای پدر و مادر را خودش انجام بدهد، یا کسی را اجیر کند و پول بدهد که بخوانند.

در بعضی خانواده‌ها وقتی عزیزی را از دست می‌دهند، در همان روزهایی که داغدار هستند، فرزندان و نوه‌ها می‌نشینند تقسیم کار می‌کنند. یکی می‌گوید: من یکسال برایش نماز می‌خوانم. دیگری می‌گوید: من برایش سه روز روزه می‌گیرم.

آنهایی که از این دنیا به عالم برزخ سفر کرده‌اند، چشم انتظار دعا‌های ما هستند. حدیث داریم که عصرهای پنجشنبه و صبح‌های جمعه، اموات به خانه‌هایشان می‌آیند و با حسرت نگاه می‌کنند. آیا بازماندگانشان برایشان هدایایی، نماز و روزه‌ای، صدقه و انفاقی انجام می‌دهند؟ آنها دستشان کوتاه است. خیرش به خود ما نیز برمی‌گردد.^۱

مرحوم طبرسی در کتاب «مکارم الاخلاق» غیر از نماز قضای پدر و مادر، نمازی را بیان کرده که پاداش و ثواب بسیاری دارد و در بعضی مساجد شب‌های جمعه به صورت دسته‌جمعی آن نماز را می‌خوانند. این نماز، دو رکعت است؛ در رکعت اول بعد از سوره حمد، ده بار این آیه را بخواند: «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ»^۲ و در رکعت دوم، بعد از حمد ده بار این آیه را بخواند: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا».^۳ نماز که تمام شد، پس از سلام نماز، این آیه را ده بار بخواند: «رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا».

آری، ما نسبت به پدر و مادر خود گرچه از دنیا رفته باشند، مسئولیت و دین داریم.

۱. بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۵۶.

۲. ابراهیم، ۴۱.

۳. نوح، ۲۸.

۳۸- دعا برای نماز فرزندان

برای نماز کودکان، خوشبختانه کتاب‌های زیادی نوشته شده که به بیان روش‌ها و شیوه‌های دعوت بچه‌ها به نماز پرداخته است. یکی از راه و روشها این است که با دعا از خدا بخواهیم که نسل و ذریه‌ی ما تا روز قیامت اهل نماز باشند. چنانکه ابراهیم خلیل عَلَيْهِ السَّلَام برای نماز خود و نماز فرزندان دعا می‌کرد: «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي»^۱؛ پروردگارا تو کمک کن، مرا و ذریه و نسل و دودمانم را اهل نماز قرار بده. از خدا استمداد بطلبیم تا موانع برطرف شده و وسوسه‌ها و تردیدها برطرف شود. مرحوم طبرسی، در کتاب «مکارم الاخلاق» نمازی را پیشنهاد کرده بخوانیم برای اینکه بچه‌های هدایت یافته، اهل سعادت و اهل نماز داشته باشیم. این نماز چهار رکعت (دو تا دو رکعتی) است. در رکعت اول بعد از حمد ده بار این آیه را می‌خوانیم: «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»^۲، پروردگارا ما را تسلیم خود قرار بده و فرزندان ما را تسلیم خود قرار بده. پروردگارا شیوه‌ی عبادت را تو به ما یاد بده و رحمتت را بر ما برگردان، که تو بسیار توبه پذیر و مهربان هستی.

در رکعت دوم پس از حمد، را ده بار بخوانیم: «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ»؛ پروردگارا، خودم و فرزندانم و ذریه‌ام را از برپادارندگان نماز قرار بده و پروردگارا دعای ما را مستجاب بفرما. آیات ۴۰ و ۴۱ سوره ابراهیم در رکعت

۱. ابراهیم، ۴۰.

۲. بقره، ۱۲۸.

سوم بعد از سوره حمد ده بار این آیه را بخوانیم: «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»؛ پروردگارا اعضای خانواده ما را مدل زندگی پرهیزگاران و الگوی دیگران قرار بده و ما را امام و پیشوای متقین قرار ده. (این دعاها را قرآنی را حفظ کنیم و در بقیه نمازهای خود هم بخوانیم.)

در رکعت چهارم بعد از حمد ده بار این آیه را بخوانیم: «رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي»؛^۲ پروردگارا الهام کن به من که از نعمت‌هایی که به من دادی و نعمت‌هایی که به پدر و مادرم دادی، تشکر کنم. پروردگارا، کمک کن و توفیقم بده که عمل صالحی که تو بیسندی انجام بدهم، پروردگارا فرزندان مرا صالح قرار بده.

این نماز و دعاها برای نمازخوان شدن، سعادت‌مند شدن و هدایت بچه‌ها مفید است، تمرین کنیم این نماز را برای بچه‌هایمان و بچه‌های بچه‌هایمان و برای نسل‌های آینده تا روز قیامت بخوانیم. انشاءالله نیاید روزگاری که از نسل ما بی‌نمازی روی این کره خاک قدم بگذارد.

۱. فرقان، ۷۴.

۲. احقاف، ۱۵.

۳۹- پنج اصل در آموزش نماز به کودکان

بزرگان برای نماز کودکان و بچه‌های ما، اصولی را تعریف کرده‌اند. بعضی از آنها را برای شما عرض می‌کنم. اگر بشناسیم کودکان و فرزندان ما چه موجوداتی هستند، آنگونه که خدا به ما شناسانده، در کار خود موفق خواهیم بود.

اصل اول، اصل اختیار است. خداوند این بچه را مختار آفریده و ما نمی‌توانیم چیزی را مثل آمپول به او تزریق کنیم. نمی‌توانیم تحمیل کنیم، ما می‌توانیم توضیح بدهیم، مربی، معلم، روحانی و عالم کارشان این است که دانش و بینشی به مردم بدهند، ارزش‌هایی را بیان کنند، اختیار با خود مخاطب است و ما باید این را بفهمیم. با اجبار و الزام نتیجه نخواهیم گرفت.

اصل دوم، اصل تدریج است. خداوند این جهان را در شش روز آفرید. می‌توانست ناگهان بیافریند. میوه‌ها به تدریج می‌رسند، انسان به تدریج رشد می‌کند، مسائل شخصیتی هم آرام آرام شکل می‌گیرد. توقع نداشته باشیم از روز اول این بچه یک نماز کامل با مستحبات و آداب بخواند. از تدریج غافل نشویم. آرام آرام برنامه داشته باشیم به مرور، نماز بچه‌ها به کمال برسد.

اصل سوم، اعتدال است. تندروی نکنیم، افراط نکنیم، زیاده‌روی نکنیم. در جلسات طولانی، نمازهای طولانی، بردن بچه‌ها واکنش عکس خواهد داشت. بسیاری از انحرافات که در بچه‌ها وجود دارد، به خاطر افراط و زیاده‌روی پدر و مادرها مثلاً در مورد حجاب، نماز و احکام است.

اصل چهارم، تکرار و مداومت است. امیرمؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «**قَلِيلٌ مَّدُومٌ عَلَيْهِ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ مَمْلُولٍ مِنْهُ**»^۱ کمی که ادامه دار باشد، از زیادی که ملال آور باشد، بهتر است. استمرار و ادامه دار بودن یک مسأله‌ای، آن را در وجود بچه‌ها نهادینه می‌کند. ما در ماه رمضان نماز و قرآن زیاد می‌خوانیم، ماه رمضان که تمام شد، همه را رها می‌کنیم. بعد از ماه رمضان هم باید آن نیایش‌ها را مقداری‌اش را ادامه بدهیم. ماه رمضان برای این است که تغییری در سبک زندگی ما ایجاد کند.

اصل پنجم، آسان‌گیری است. بارها پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: اسلام، دین آسان است. اسلام را با آسانی بیان کنید. قرآن می‌فرماید: «**يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ**» خدا برای شما آسانی می‌خواهد، «**وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ**»^۲. سختی و مشقت نمی‌خواهد.

این شعار استاد ما حاج آقای قرائتی قریب پنجاه سال است. اسلام دینی شیرین و آسان است، این را بچه‌ها باید لمس کنند و حس کنند. نمازشان، حجابشان، روزه‌شان، شیرین و آسان است.

هنگامی که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کسانی را برای تبلیغ می‌فرستادند، می‌فرمودند: بر مردم آسان بگیرید. فرمودند: «**يَسِّرُوا وَلَا تُعَسِّرُوا**» آسان بگیرید، سخت نکنید کار را بر مردم. «**وَيَسِّرُوا**» به مردم مژده بدهید و نوید پاداش الهی را بدهید، «**وَلَا تُنْفِرُوا**»^۳ مردم را از احکام دین بیزار نکنید.

امیرمؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: «**يَسِّرُوا**» آسان بگیرید بر مردم، «**وَلَا تُعَسِّرُوا**»

۱. نهج البلاغه، ص ۵۵۴.

۲. بقره، ۱۸۵.

۳. نهج الفصاحه، ص ۵۶۸، ح ۱۹۵۷.

مسائل دین را سخت نکنید. «وَحَقِّقُوا» تخفیف بدهید، «وَلَا تُثَقِّلُوا» سنگین نکنید.^۱

این اصول را رعایت کنیم، خدا هم مدد می‌کند و انشاءالله نسل نمازگزار از ما به جا بماند.

۴۰- سفارش به نماز در آخرین ساعات

یک وقتی یک کتاب پنج جلدی تحت عنوان «آخرین گفتارها» به دستم رسید. که نویسنده آن آخرین گفتارهای جمعی از افراد سرشناس را در طول تاریخ گردآوری کرده بود. انسان‌ها وقتی می‌خواهند از این دنیا بروند، همه تجربیات خود را در قالب چند جمله خلاصه می‌کنند و به جا می‌گذارند، این جملات، طلائی و الهام‌بخش است. چه از افراد خوب و صالح باشند، مثل انبیا و اولیای خدا یا افراد بد و حتی تبه‌کار مثل ناپلئون یا هیتلر، اینها آخر عمرشان چه گفتند؟

انبیا، اولیا، صلحا و دانشمندان، وصیت‌نامه‌هایشان را بخوانیم. شهدای جنگ تحمیلی، وصیت‌نامه حضرت امام را بارها و بارها بخوانیم. در این جا می‌خواهم بگویم که یکی از مسئولیت‌های ما این است که وصیت‌نامه بنویسیم و از خود اثری مکتوب به یادگار بگذاریم و در وصیت‌نامه خود بازماندگان خود را به نماز و حجاب و ارزشها دعوت کنیم. مطمئن باشیم آن نوشته خواهد ماند. بچه‌هایمان، ما را دوست دارند. می‌گویند: پدرم گفته، پدر بزرگم گفته، مادر جون من گفته است. من به احترام روح او نمازم را می‌خوانم.

حدیث داریم آخرین توصیه‌های پیامبران، نماز بود. امام باقر علیه السلام فرمود: «لَا تَتَهَاوَنَ بِصَلَاتِكَ» نسبت به نمازت کاهلی نکن، چرا که پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی جان می‌داد فرمود: «لَيْسَ مِنِّي مَنِ اسْتَخَفَّ بِصَلَاتِهِ» از من نیست کسی که نماز را سبک بشمارد.^۱

ما هم بیاییم یک کار پیغمبری بکنیم، در وصیت‌نامه خود برای بچه‌ها غیر از اینکه اموال و املاک را تقسیم کنیم، در مورد نماز وصیت کنیم. امیرمؤمنان علی علیه السلام در بستر شهادت، وصیت‌نامه‌ای یک صفحه‌ای دارد. فرازهای وصیت‌نامه خود را بالحن ملتسانه با «اللَّهُ اللَّهُ» شروع کرده و می‌فرماید: شما را به خدا، شما را به خدا، ای حسن، ای حسین و ای تمام فرزندان من تا روز قیامت، که این وصیت‌نامه به دستتان می‌رسد: «الصلاة الصلاة» نماز، نماز. «فَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ» نماز ستون خیمه‌ی دین شماست. این ستون برداشته شود چیزی به نام دین نخواهد ماند. امیرالمؤمنین علیه السلام از فرصت آخرین ساعت عمر خود، برای نماز استفاده می‌کند.

ابوبصیر می‌گوید: مسافرت بودم، وارد مدینه شدم، دیدم شهر عزادار است. پرسیدم چه شده است؟ گفتند: امام صادق علیه السلام رحلت نموده‌اند. برای عرض تسلیت به منزل امام رفتیم. خواستم آن لحظات و ساعات آخر عمر امام را برای من توضیح بدهند، اینطور گفتند: امام کاظم علیه السلام فرمود: پدرم در آخرین ساعات عمر خود فرمودند: فامیل‌ها را جمع کنید. اعضای خانواده را جمع کنید. وقتی همه جمع شدند، فرمود: به خدا قسم، شفاعت من نمی‌رسد به کسی که نماز را سبک بشمارد. «إِنَّهُ لَا يَنَالُ

شَفَاعَتَنَا مَنِ اسْتَخَفَّ بِالصَّلَاةِ^۱

پیامبران، پیامبر اکرم و امامان معصوم:، از فرصت آخرین لحظات عمر برای توصیه و سفارش به نماز استفاده می‌کردند، ما هم این کار را بکنیم. انشاء الله از نسل ما نمازگزارانی روی این کره‌ی خاک خدا را صدا بزنند و پاداشی به ما برسد. «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ»^۲.

«والحمد لله و صلى الله على محمد وآله الطاهرين»

۱. کافی، ج ۳، ص ۲۷۰.

۲. ابراهیم، ۴۰.

